

# پادشاهی، عهدها و کانن عهد عتیق

درس سوم

عهدهای الاهی



THIRD MILLENNIUM  
MINISTRIES

Biblical Education. For the World. For Free.

© 2022 by Third Millennium Ministries

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced in any form or by any means for profit, except in brief quotations for the purposes of review, comment, or scholarship, without written permission from the publisher, Third Millennium Ministries, Inc., 316 Live Oaks Blvd., Casselberry, Florida 32707.

Unless otherwise indicated all Scripture quotations are from the HOLY BIBLE, NEW INTERNATIONAL VERSION. Copyright © 1973, 1978, 1984, 2011 International Bible Society. Used by Permission of Zondervan Bible Publishers.

### ABOUT THIRD MILLENNIUM MINISTRIES

Founded in 1997, Third Millennium Ministries is a nonprofit Christian organization dedicated to providing **Biblical Education. For the World. For Free.** In response to the growing global need for sound, biblically-based Christian leadership training, we are building a user-friendly, donor-supported, multimedia seminary curriculum in five major languages (English, Spanish, Russian, Mandarin Chinese, and Arabic) and distributing it freely to those who need it most, primarily Christian leaders who have no access to, or cannot afford, traditional education. All lessons are written, designed, and produced in-house, and are similar in style and quality to those on the History Channel<sup>®</sup>. This unparalleled, cost-effective method for training Christian leaders has proven to be very effective throughout the world. We have won Telly Awards for outstanding video production in Education and Use of Animation, and our curriculum is currently used in more than 192 countries. Third Millennium materials take the form of DVD, print, Internet streaming, satellite television transmission, and radio and television broadcasts.

For more information about our ministry and to learn how you can get involved, please visit <http://thirdmill.org>.

---

سرشناسه: پادشاهی، عهدها، و کائن عهد عتیق (درس شماره ۳: عهدهای الاهی)

---

حق چاپ ترجمه فارسی این اثر برای انتشارات خدمات مسیحی هزاره سوم محفوظ است. هرگونه نسخه‌برداری، چاپ، توزیع و دخل و تصرف در این اثر بدون اجازه ناشر مطابق قانون حق مولف ممنوع و منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است. ارجاعات کتاب مقدسی از ترجمه قدیم و هزاره نو (انتشارات ایلام) و ترجمه مزده برای عصر جدید (انجمن متحد کتاب مقدس) گرفته شده است.

## فهرست مطالب

(۱) مقدمه

(۲) پادشاهی و عهدها

اکتشافات باستان‌شناسی

بینش‌های کتاب مقدسی

(۳) تاریخ عهدها

عهدهای عمومی

آدم

نوح

عهدهای ملی

ابراهیم

موسی

داوود

عهد تازه

(۴) پویایی عهدها

عهدهای عمومی

آدم

نوح

عهدهای ملی

ابراهیم

موسی

داوود

عهد تازه

(۵) مردمان عهد

بخش‌های بشریت

داخل عهدها

مشمول و محروم

کاربرد پویایی‌ها

غیر ایمانداران محروم

غیر ایمانداران مشمول

ایمانداران مشمول

(۶) نتیجه‌گیری

## عهدهای الاهی

### مقدمه

اگر شما یک پادشاه در جهان باستان بودید و عزم آن داشتید که فرمانروایی خود را به سایر ملل گسترش دهید، چگونه پادشاهی‌تان را اداره می‌کردید؟ سیاست‌های بنیادین امپراتوری خود را همزمان با گسترش هرچه بیشتر آن چطور تنظیم می‌کردید؟ اینها سوالات خوبی هستند که می‌توانیم در حین مطالعه عهد عتیق بپرسیم، چون عهد عتیق خدا را به عنوان پادشاه برتر الاهی معرفی می‌کند که مصمم است پادشاهی خود را تا اقصای زمین گسترش بدهد. اسرائیلیان باستان می‌دانستند که پادشاهان بزرگ انسانی زمان آنها، پادشاهی‌های در حال گسترش خود را از طریق پیمان‌نامه‌ها یا عهدهای بین‌المللی اداره می‌کردند. بنابراین برای آنها جای تعجب نداشت که بدانند خدا نیز پادشاهی در حال گسترش خود را از طریق عهدها اداره می‌کرد. عهدهای خدا تدابیر بنیادینی را تنظیم می‌کرد که پادشاهی او را حین گسترش به سرتاسر زمین اداره می‌کردند.

این سومین درس از مجموعه دروس «پادشاهی، عهدها، و کائن عهد عتیق» است و عنوان «عهدهای الاهی» را به آن داده‌ایم. در این درس بررسی خواهیم کرد که خدا چطور پادشاهی خود را به واسطه مجموعه‌ای از عهدها اداره کرد تا پادشاهی‌اش را در سرتاسر جهان به پیش ببرد. همانطور که در این مجموعه دروس می‌آموزیم، کتاب‌های کائن عهد عتیق نوشته شدند تا قوم خدا در زمان‌ها و شرایطی مختلفی مخاطب قرار بدهند. در عین حال، دیدگاه‌های هر کتاب بر پایه مجموعه‌ای از اعتقادات قرار داشت که بین تمام نویسندگان عهد عتیق مشترک بودند. همه آنها باور داشتند که هدف بزرگ خدا در تاریخ این بود که پادشاهی خود را از آسمان به چهار گوشه زمین گسترش بدهد. و آنها همچنین باور داشتند که خدا گسترش پادشاهی خود را در دوره‌های زمانی مختلف به واسطه مجموعه‌ای از عهدهای بزرگ اداره کرد. در واقع، نویسندگان عهد عتیق کتاب‌های خود را نوشتند تا پادشاهی خدا را با اعمال تدابیر عهد او در چالش‌های موقعیت‌های مختلف، به پیش ببرند. و به همین دلیل، درک عهدهای خدا برای فهم اهمیت هر بخش از عهد عتیق بسیار مهم است.

کاوش ما در عهدهای الاهی عهد عتیق به چهار بخش اصلی تقسیم می‌شود. نخست، به تحقیقی در پیوندهای حیاتی بین پادشاهی خدا و عهدهای او خواهیم پرداخت. دوم، نگاهی به تاریخ عهدهای خدا در عهد عتیق خواهیم داشت. سوم، پویایی حیات در این عهدها را مورد سنجش قرار خواهیم داد. و چهارم، مردمان عهدهای خدا را بررسی خواهیم کرد. بیایید ابتدا با پیوندهای بین پادشاهی خدا و عهدهای او آغاز کنیم.

### پادشاهی و عهدها

همه افراد آشنا با عهد عتیق می‌دانند که مفهوم عهد نقشی حیاتی در ایمان اسرائیل داشت. واژه عبری‌ای که معمولاً «عهد» ترجمه شده – بریت (berith) در عبری – بیش از ۲۸۰ بار در

عهد عتیق ظاهر می‌شود. و این مفهوم از عهد اغلب با اصطلاحات دیگری نیز مرتبط است. برجستگی عهدها در عهد عتیق را نمی‌توان کتمان کرد. اما متأسفانه، بسیاری از مردم دربارهٔ ویژگی‌های اساسی عهدهای خدا در کتاب مقدس دچار سوءتفاهم می‌شوند. آنها نمی‌توانند ببینند که چطور عهدهای خدا به شکلی جدایی‌ناپذیر با حکمرانی او به عنوان پادشاه الاهی و رشد پادشاهی‌اش بر زمین پیوند خورده بود. بنابراین، عهدهای الاهی چه ربطی به پادشاهی خدا داشتند؟ چه ارتباطی بین این دو تعلیم حیاتی عهد عتیق وجود دارد؟

برای بررسی ارتباطات بین اهداف پادشاهی خدا و عهدهای او، به دو مسیر نگاه خواهیم کرد. نخست، به برخی از اکتشافات باستانی اخیر اشاره می‌کنیم که پس‌زمینه‌ای ارزشمند برای درک این ارتباطات فراهم می‌کنند. و دوم، خواهیم دید که چطور این اکتشافات به ما ادراکی قابل توجه در مورد مفهوم کتاب مقدسی عهدهای الاهی می‌بخشند. بیایید با برخی از اکتشافات باستانی اخیر شروع کنیم که موضوع ما را روشن می‌کنند.

### اکتشافات باستان‌شناسی

پیروان مسیح به درستی تایید می‌کنند که روح القدس متون مقدس عهد عتیق را الهام کرد و آنها کلام خدا برای همهٔ زمان‌ها و مکان‌ها هستند. اما همیشه مهم است که به یاد داشته باشیم روح القدس این متون را در وهلهٔ اول برای اسرائیلیان باستان الهام بخشید. تجارب فرهنگی اسرائیلیان باستان، زمینه را برای آنها فراهم می‌ساخت تا مکاشفهٔ خدا را در زمان خودشان درک کنند. و همانطور که به زودی خواهیم دید، تعدادی از اکتشافات باستانی انجام شده در نیمهٔ دوم قرن اخیر به ما کمک می‌کنند که درک کنیم اسرائیلیان وفادار چطور متوجه پیوندهای اساسی بین عهدهای خدا و پادشاهی او شدند.

اغلب سه نوع از اسناد سلطنتی مربوط به خاور نزدیک باستان در مباحث عهدهای کتاب مقدسی به چشم می‌خورند: نخست، معاهدات تساوی سلطنتی – عهدهایی که در آن پادشاهانی با موقعیت نسبتاً مشابه در مورد شرایط روابطشان با یکدیگر مذاکره می‌کردند؛ دوم، بخشش‌های ملوکانه – نوشتجاتی که نشان می‌دهند چطور پادشاهان باستانی به طور رسمی زمین‌ها یا موقعیتی ویژه به خدمتگزاران وفادار خود می‌بخشیدند؛ و سوم، عهدنامه‌های ارباب-رعیتی و دیگر اسناد مربوط به آنها – توافق‌نامه‌هایی بین المللی که پادشاهان بزرگ با شاهان کوچکتر و تابع، و ملت‌های آنان منعقد می‌ساختند.

در واقعیت ما فقط می‌توانیم چیزهای کمی از معاهدات تساوی سلطنتی در مورد عهدهای کتاب مقدس متوجه بشویم. مطمئناً عهد عتیق به انسان‌هایی با موقعیت برابر اشاره می‌کند که متقابلاً در مورد شرایط عهدهای بین خود مذاکره می‌کردند. اما در مورد عهدهای الاهی، خدا هرگز دربارهٔ آنها با بشر مذاکره نکرد چون هیچ انسانی با او برابری نمی‌کند. در همهٔ موارد، او تمام شروط عهدهای خود را با اقتدار دیکته کرد.

فرای این، محققان کتاب مقدس به بعضی شباهات مهم بین عهدهای خدا در کتاب مقدس و بخشش‌های ملوکانه اشاره کرده‌اند. آنها به ویژه ارتباطاتی را مورد اشاره قرار داده‌اند که بر میراث

اسرائیل از سرزمین موعود و گزینش نسل داوود به عنوان خاندان سلطنتی اسرائیل توسط خدا متمرکز است. اما همانطور که بعدتر خواهیم دید، این شباهات اغلب اشتباه فهمیده شده‌اند. اسناد سلطنتی باستانی که می‌توانیم به واسطه آنها درکمان از عهد‌های الاهی کتاب مقدس را تا حد زیادی بسط بدهیم، معاهدات ارباب-رعیتی هستند. این نوشتجات باستانی، درباره اینکه نویسندگان کتاب مقدسی چگونه پیوند بین پادشاهی خدا و عهد‌های او را درک کردند، بینش‌های قابل توجهی ارائه می‌دهند.

در دنیای عهد عتیق، فراعنة مصر، و پادشاهان هیتی‌ها، بابلیان، آشوریان و حتی اسرائیل، اغلب قلمروهای خود را با فتح یا ضمیمه‌سازی پادشاهی‌های ضعیف‌تر گسترش می‌دادند. و وقتی که این کار را انجام می‌دادند، سیاست‌های بنیادین پادشاهی‌های در حال گسترش خود را از طریق معاهدات یا عهد‌ها تنظیم می‌کردند. باستان‌شناسان تعدادی از این معاهدات بین‌المللی را کشف کرده‌اند و از آنها با عنوان «معاهدات ارباب-رعیتی» یاد می‌کنند.

البته اجازه ندهید که اصطلاحات «ارباب» و «رعیت» شما را سردرگم کنند. «ارباب» صرفاً به معنای یک امپراتور یا پادشاه بزرگ است. و البته، اصطلاح «رعیت» هم به معنای بنده، یا در این مورد «بنده پادشاه بزرگ» است. معاهدات ارباب-رعیتی سیاست‌های بنیادینی را معین می‌کرد که اداره کننده تعاملات بین پادشاهان بزرگ - ارباب‌ها - و پادشاهان کوچکتر - رعیت‌ها - و ملل آنها بودند. بنابراین، معاهده ارباب-رعیتی یک توافق بین‌المللی بود که بین یک امپراتور بزرگ و پادشاهی کوچکتر و ملت او منعقد می‌شد.

پادشاه بودن در بستر خاور نزدیک باستان... عمدتاً بر مفهوم عهد مبتنی بود. ما شواهدی از معاهده‌ها داریم، معاهده‌های باستانی، که در آنها یک پادشاه، یا یک مافوق، یا کسی که یک «ارباب» خوانده می‌شود با برخی از افراد وارد یک توافقی می‌شد که آنها اساساً به خدمتگزاران یا رعیت او تبدیل می‌شدند. و آنها را رابطه را به این شکل تعریف می‌کنند که مافوق، یا ارباب، مجموعه‌ای از شرایط را مشخص می‌کند که از طریق آنها می‌توان رابطه را حفظ کرد. و او چنین چیزی می‌گفت: «من از شما محافظت می‌کنم؛ برای شما رفاه فراهم می‌کنم؛ من در ازای شراکت شما با من و سهم شدن در بخشی از محصولاتتان، در ازای اتحادتان با من و متحد نشدن با پادشاهان دیگر (یا مافوق‌های دیگر) به شما هویت می‌بخشم.» و بنابراین از یک نظر، نوعی شرایط بسیار متقابل بود. و اگر خواهیم درباره پادشاه بودن و ماهیت عهد تحت شرایط این نوع توافق‌ها فکر کنیم، چیزی که خواهیم دید این است که به نظر می‌رسد بخش‌های مختلف عهد عتیق کاملاً با اصول دقیق این معاهدات ارباب-رعیتی مطابقت دارند.

- دکتر بردلی جانسون

معاهدات ارباب-رعیتی معمولاً شامل هفت اصل عمده بودند. آنها با مقدمه‌ای شروع می‌شدند که پادشاه بزرگ را معرفی می‌کرد. این مقدمه با پیش‌درآمدی تاریخی ادامه می‌یافت که بر اعمال محبت‌آمیز پادشاه بزرگ نسبت به رعیت خود متمرکز بود. سپس، این معاهدات به

مقررات یا قوانین ویژه‌ای می‌پرداختند که پادشاهان از رعیت خود انتظار اطاعت آنها را داشتند. پس از این قوانین معمولاً مفادی برای قرائت عمومی سالانه و تمدید این معاهدات، و همچنین فهرست‌هایی از شاهدان الاهی قرار می‌گرفت که از خدایان می‌خواست تا اطمینان حاصل کنند که همه تعهدات انجام شده‌اند. آنگاه این معاهدات برکات اطاعت و لعنت‌های ناطاعتی را خاطر نشان می‌کردند. و معمولاً با اشاراتی به یک وعده غذای آیینی و قربانی به پایان می‌رسیدند که این روابط بین‌المللی را رسمیت می‌دادند.

در سراسر عهد عتیق، شباهت‌های چشمگیری بین تمام این هفت اصل و عهدهای الاهی وجود دارد. اما به جای آنکه هر یک از این هفت اصل را بررسی کنیم، بر روش‌هایی تاکید می‌کنیم که عهدهای کتاب مقدسی در موازات پویایی‌های اساسی این معاهدات قرار می‌گیرند. هفت اصل معمول معاهدات ارباب-رعیتی، یک پویایی اساسی و سه‌جانبه را آشکار می‌کنند که ویژگی تعاملات بین پادشاهان بزرگ و رعیت‌های آنان بودند. نخست، معاهدات بر سخاوتمندی سلطنتی تاکید می‌کردند - یعنی لطفی که پادشاهان بزرگ به رعیت‌های خود نشان می‌دادند. در مقدمه، پادشاه خود را به عنوان حاکم مشروع معرفی می‌کرد. سپس، پیش‌درآمد تاریخی به توصیف راه‌های مشخصی می‌پرداخت که پادشاه به رعیت‌های خود لطفی نشان داده بود. مضمون سخاوتمندی سلطنتی به قدری برجسته بود که پادشاهان بزرگ اغلب خود را «پدر» و رعیت‌شان را «پسران» می‌خواندند.

دومین تمرکز عمده معاهدات ارباب-رعیتی بر الزام وفاداری رعیت قرار داشت. رعیت‌ها می‌بایست قوانین پادشاه را رعایت می‌کردند و از فلزات گرانبها، جواهرات، بردگان، سربازان و نیز بخشی از محصولات خود خراج می‌پرداختند. این شروط بیان می‌شدند تا رعیت‌ها بتوانند نشان بدهند که خدمتگزاران وفادار و قدر دان پادشاهان بزرگ خود هستند.

سومین تمرکز عمده معاهدات ارباب-رعیتی بر پیامدهای برکت و لعنت بود. پادشاهان بزرگ همیشه این حق ویژه را برای خود محفوظ نگه می‌داشتند که از برکت‌ها و لعنت‌ها به آشکالی که در خدمت اهداف پادشاهی آنها باشند استفاده کنند. اما در معاهدات ارباب-رعیتی، پادشاهان برکاتی را که نصیب رعیت‌های وفادار آنان می‌شد اعلام می‌کردند و نسبت به لعنت‌هایی که گریبانگیر رعیت‌های سست پیمان‌شان می‌شد هشدار می‌دادند.

همانطور که خواهیم دید، این سه ویژگی اصلی معاهدات ارباب-رعیتی به ما کمک می‌کنند تا پویایی بنیادین رابطه بین خدا و قوم عهدی او در کتاب مقدس را با وضوح بیشتری درک کنیم. با در نظر داشتن این اکتشافات باستان‌شناسی باید به سراغ بینش‌های کتاب مقدسی برویم که این اکتشافات در رابطه با پیوندهای اساسی بین پادشاهی خدا و عهدهای او به ما می‌دهند.

### بینش‌های کتاب مقدسی

از همین ابتدا باید اشاره کنیم که عهد عتیق بسیاری از روابط مختلف را به عنوان عهد توصیف می‌کند - مثلاً روابط بین دوستان، زوجها، راهبران سیاسی، اقوام و ملت‌ها. این تعاملات بشری در عهد عتیق از این رو عهد نامیده می‌شدند که به طور رسمی، افراد را با تعهدات متقابل

به یکدیگر متصل می‌ساختند. گاهی عهد عتیق این روابط عهدی متنوع را با رابطه بین خدا و قوم او مقایسه می‌کند. بنابراین، ما می‌توانیم از این انواع مختلف عهد در عهد عتیق، چیزهای زیادی درباره رابطه خودمان با خدا یاد بگیریم.

اما تمرکز ما در این درس بر آنچه که کتاب مقدس درباره عهدهای عمده خدا تعلیم می‌دهد قرار دارد - یعنی عهدهایی که خدا به واسطه آنها پادشاهی خود را قاطعانه اداره کرد. ما در اینجا شش عهد کتاب مقدسی مشهور را در نظر داریم: عهدهای خدا با آدم، نوح، ابراهیم، موسی، داوود، و عهدی آتی که اغلب آن را عهد تازه می‌خوانیم. در تمام این نمونه‌ها، خدا پادشاهی خود را از طریق عهدها هدایت کرد.

ما بعدتر در این درس، به هر یک از این عهدهای عمده الهی نگاه خواهیم کرد. اما در این مرحله، با نگاهی اجمالی به عهد خدا با موسی نشان خواهیم داد که چطور معاهدات ارباب-رعیتی به ما بینش‌هایی در مورد ماهیت عهدهای خدا می‌بخشند. نگاه به عهد خدا با موسی اهمیت دارد چون کتاب مقدس در مورد این عهد بیش از هر عهد دیگری در عهد عتیق آشکارسازی کرده است.

وقتی ما به عهدی نگاه می‌کنیم که خدا با موسی منعقد ساخت، خیلی زود معلوم می‌شود که ساختار آن به گونه‌ای بود که به معاهدات ارباب-رعیتی در خاور نزدیک باستان شباهت داشت. عهد موسی از همین سه عنصری تشکیل شده بود که در این معاهدات دیدیم. و این شباهت‌ها به ما کمک می‌کنند متوجه بشویم که در مفهومی بنیادین، خدا، پادشاه بزرگ اسرائیل، عهدهای خود را برقرار ساخت تا پادشاهی‌اش را اداره کند.

خروج ۱۹: ۴-۶ را در نظر بگیرید که خدا در کوه سینا، عهدش با قوم اسرائیل را آغاز کرد. خدا گفت:

شما آنچه را که من به مصریان کردم، دیده‌اید، و چگونه شما را بر بال‌های عقاب برداشته، نزد خود آورده‌ام. و اکنون اگر آواز مرا فی‌الحقیقه بشنوید، و عهد مرا نگاه دارید، همانا خزانه خاص من از جمیع قوم‌ها خواهید بود. زیرا که تمامی جهان، از آن من است. و شما برای من مملکت گه‌نه و امت مقدس خواهید بود (خروج ۱۹: ۴-۶).

این قسمت، گزارشی طولانی از عهد خدا با اسرائیل در کوه سینا را معرفی می‌کند که از باب ۱۹ تا ۲۴ کتاب خروج ادامه دارد. دقت کنید که این متن صریحا اشاره می‌کند خدا با اسرائیل «عهد» می‌بندد و این عهد را به پادشاهی او مرتبط می‌سازد. همانطور که در اینجا می‌بینیم، این عهد طراحی شده بود تا با تبدیل اسرائیل به «مملکت کهنه»، در خدمت اهداف پادشاهی خدا باشد. در همین قسمت همچنین می‌توانیم پویایی سه‌جانبه سخاوتمندی سلطنتی، وفاداری رعیت، و پیامدهای برکت و لعنت را ببینیم که ویژگی معاهدات ارباب-رعیتی بود.

نخست، خدا سخاوتمندی الهی را به اسرائیلیان یادآوری کرد که هنگام رهایی آنها از بردگی در مصر نشان داده بود. همانطور که در آیه ۴ گفت:



شما آنچه را که من به مصریان کردم، دیده‌اید، و چگونه شما را بر بال‌های عقاب برداشته، نزد خود آورده‌ام (خروج ۱۹: ۴).

خدا نیز مانند پادشاهان بشری زمان باستان به اسرائیل یادآور شد که کارهای بزرگی برای آنها انجام داده است. سخاوتمندی او در رابطه‌ای که از طریق عهد خود در کوه سینا با اسرائیل برقرار ساخت، اساسی بود. دوم، خدا همچنین در آغاز این عهد انسان را به وفاداری فراخواند. دوباره به آیه ۵ گوش کنید:

اکنون اگر آواز مرا فی‌الحقیقه بشنوید، و عهد مرا نگاه دارید، همانا خزانه خاص من از جمیع قوم‌ها خواهید بود (خروج ۱۹: ۵).

خدا نیز مانند ارباب‌های خاور نزدیک باستان، از مردمان پادشاهی خود انتظار وفاداری داشت. اگرچه عهد موسی با سخاوتمندی سلطنتی خدا آغاز و حفظ شد، اما خدا همچنان از قوم انتظار داشت که مطیع صدای او باشند و شروط عهد او را حفظ کنند. سوم، عهد موسی همچنین شامل پیامدهایی برای اسرائیل بود. این اصل در آیات ۵-۶ روشن می‌شود:

اکنون اگر آواز مرا فی‌الحقیقه بشنوید، و عهد مرا نگاه دارید، همانا خزانه خاص من از جمیع قوم‌ها خواهید بود. زیرا که تمامی جهان، از آن من است. و شما برای من مملکت کهنه و امت مقدس خواهید بود (خروج ۱۹: ۵-۶).

خدا به عنوان پادشاه الاهی اسرائیل روشن ساخت که اگر اسرائیلیان وفادار می‌بودند، برکات عظیمی دریافت می‌کردند. آنها خزانه خاص خدا می‌شدند و بالاتر از همه ملل قرار می‌گرفتند. برای خدا تبدیل به پادشاهی کاهنان و امتی مقدس می‌شدند. و همانطور که باب‌های ۱۹ تا ۲۴ خروج بارها نشان می‌دهند، اگر اسرائیل پیمان‌شکنی می‌کرد تحت لعنت‌های خدا قرار می‌گرفت.

انکار این تشابهات اساسی بین معاهدات ارباب-رعیتی و عهد خدا با اسرائیل در زمان موسی دشوار خواهد بود. اما تعدادی از مفسرین کتاب‌مقدسی در دهه‌های اخیر چنین استدلال کرده‌اند که برخی دیگر از عهد‌های عمده کتاب‌مقدسی به بخشش‌های ملوکانه نزدیکتر هستند. از دید آنها، بخشش‌های ملوکانه شامل الزام به وفاداری و پیامدهای برکت و لعنت نبودند. و در پرتو همین نکته، این مفسرین استدلال کرده‌اند که عهد‌های خدا با آدم و موسی مانند معاهدات ارباب-رعیتی بود؛ آنها عهد‌های مشروط و الزام‌آور بودند. اما از این منظر، عهد‌های خدا با نوح، ابراهیم

و داوود - و در برخی دیدگاه‌ها، حتی عهد تازه - به بخشش‌های ملوکانه شباهت داشتند که عهدهایی کاملاً بی‌قید و شرط، و وعده‌محور بودند.

اما اینکه برخی از عهدها را الزام‌آور و برخی‌دیگر را وعده‌محور ببینیم، صحیح نیست. درست است که برخی مثال‌های باستان‌شناسی از بخشش ملوکانه صریحاً اشاره‌ای به الزام وفاداری یا برکات و لعنت‌ها ندارند. اما بسیاری از محققین اشاره کرده‌اند که تعدادی از آنها شامل چنین الزامی هستند. و این محققین همچنین به درستی ملاحظه کرده‌اند که پادشاهان خاور نزدیک باستان همیشه از رعایای خود انتظار اطاعت داشتند. همه عهدهای الهی، ارتباطاتی بین خدا به عنوان پادشاه و قوم او به عنوان رعیت برقرار ساختند. بنابراین، هر بخشی از کتاب مقدس که به عهدهای خدا اشاره می‌کند، مستقیماً به سخاوتمندی الهی، وفاداری انسان، و پیامدهای برکات و لعنت‌ها می‌پردازد یا آنها را پیش‌فرض می‌داند.

گاهی محققین کتاب مقدسی چنین مطرح کرده‌اند که بعضی از عهدها وعده‌محور و برخی دیگر الزام‌آور هستند؛ یعنی اینکه سرزمینی که به ابراهیم بخشیده شد یک عهد وعده‌محور و شریعتی که در کوه سینا اعطا شد یک عهد الزام‌آور است. اما در واقع، آنچه در کتاب مقدس و در خاور نزدیک باستان می‌بینیم این است که همه عهدها شامل هر دو جنبه هستند. وعده‌هایی داده می‌شوند، اما همچنین توقع توجه به نگهداری رابطه نیز وجود دارد. بنابراین ما این را حتی در معاهده اعطای زمین هم می‌بینیم که خداوند سرزمینی به ابراهیم می‌بخشد. بلافاصله پس از آن، در باب‌های ۱۷ و ۱۸ این توقع را می‌بینیم که «در حضور من قدم خواهید زد و راه‌های من را به فرزندان‌تان تعلیم خواهید داد. در مسیر عدالت و انصاف قدم خواهید زد.» بدین ترتیب خدا در عهد خود عطیای عظیمی می‌بخشد اما این توقع محبت، وفاداری، و سرسپردگی به پادشاه بزرگ وجود دارد.

- دکتر گریگوری پری

حال که رابطه بنیادین بین پادشاهی خدا و عهدهای او را معرفی کردیم، بیایید به دومین موضوع اصلی‌مان در این درس بپردازیم: تاریخ عهدها در عهد عتیق.

### تاریخ عهدها

عهد عتیق گزارش‌هایی تاریخی به ما می‌دهد که نشان می‌دهند چگونه پادشاهی خدا بر روی زمین پیش از تجسم مسیح بسط پیدا کرد. این متون مقدس آشکار می‌سازند که در روزگار آدم، نوح، ابراهیم، موسی و داوود، و سپس در عهد تازه، خدا به طریقی چشمگیر برای انعقاد عهدهایی در تاریخ مداخله کرد. حال، همه این عهدها طراحی شده بودند تا گسترش پادشاهی خدا را اداره کنند. اما آنها بر مفاد متفاوتی تاکید می‌کردند که برای پادشاهی خدا در مراحل مختلف تاریخ مناسب بودند.

راه‌های زیادی برای توصیف تاریخ عهدهای الهی در عهد عتیق وجود دارد. اما ما عهدهای خدا را به سه گروه تقسیم می‌کنیم: اول، عهدهای عمومی اولیه خدا؛ دوم، عهدهای ملی او

با اسرائیل؛ و سوم، عهد تازه – یعنی عهدی که انبیای عهد عتیق آشکار شدن آن در اوج تاریخ را پیش‌بینی کرده بودند. بیایید ابتدا به بررسی عهدهای عمومی بپردازیم.

### عهدهای عمومی

وقتی ما از عهدهای آدم و نوح به عنوان عهدهای «عمومی» صحبت می‌کنیم، منظورمان این است که خدا این عهدها را در تاریخ آغازین و پیش از گزینش اسرائیل به عنوان قوم خاص خود، با تمام بشریت منعقد ساخت. از این منظر، وقتی می‌پرسیم «خدا به چه کسی سخاوتمندی نشان داده است؟ چه کسی باید به خدا وفادار باشد؟ چه کسی می‌تواند پیامدهای برکت و لعنت را دریافت کند؟» پاسخ این است که: همه افرادی که تا به حال زندگی کرده‌اند. همه تصویرهای خدا در عهد با او قرار دارند چون از طریق عهدهایی که خدا با آدم و نوح منعقد کرده است، به او پیوسته‌اند.

این دو عهد، با آدم و با نوح، وعده‌های شگفت‌انگیز به بشر می‌دهد. اولی این است که خدا ذریت زن، یکی از فرزندان حوا، را خواهد فرستاد، یک انسان که نجات‌دهنده ما خواهد بود؛ که عیسی مسیح خدا-انسان است. و به نوح وعده می‌دهد که فارغ از اینکه جهان چقدر شرور شود – و با گذشت زمان به طور فزاینده‌ای بدتر هم می‌شود – او دیگر هرگز آن را با سیلی مصیبت‌بار یا یک داوری طبیعی مانند روزگار نوح ویران نخواهد کرد... بنابراین، این دو عهد با آدم و با نوح... به مخاطبی بسیار گسترده‌تر و عمل گسترده‌تر خدا در نجات جهان حتی پیش از عهدهای ملی خدا با ابراهیم و موسی و داوود نگاه می‌کند.

- دکتر مایک راس

ما این عهدهای عمومی را به ترتیب تاریخی آنها مورد بررسی قرار خواهیم داد که با عهد خدا و آدم آغاز می‌شود و سپس به سراغ عهد او در ایام نوح خواهیم رفت. بیایید ابتدا عهد خدا با آدم را در نظر بگیریم.

### آدم

گزارش‌های تاریخی عهد خدا با بشر در آدم، در باب‌های ۱ تا ۳ پیدایش دیده می‌شوند. همانطور که همه ما می‌دانیم، آدم اولین انسان بود؛ بنابراین ما به ابتدایی‌ترین دوره تاریخ بشر اشاره می‌کنیم. بنابراین جای تعجبی ندارد که متوجه می‌شویم تعالیم کتاب مقدس درباره عهد آدم بر بعضی از اصلی‌ترین یا بنیادی‌ترین ابعاد تعامل انسان با خدا متمرکز است.

حال باید به این نکته اشاره کنیم که واژه «عهد» در سه باب اول کتاب پیدایش به چشم نمی‌خورد. و به همین دلیل، بعضی از مسیحیان موافق این نیستند که خدا یک عهد رسمی با آدم بست. با این حال، سه سند وجود دارد که قویا نشان می‌دهند خدا در واقع اولین عهد خود را با آدم به عنوان نماینده بشریت منعقد ساخت.

نخست، همانطور که بعداً در این درس خواهیم دید، پویایی اصلی عهدهای الهی – سخاوتمندی، وفاداری بشر، و پیامدهای برکات و لعنت – در طول باب‌های ۱ تا ۳ به چشم می‌خورد.

دومین سند مبنی بر اینکه خدا وارد عهدی با آدم شد، در هوشع ۶: ۷ است. در آنجا چنین می‌خوانیم:

ایشان مثل آدم [یا بشریت] از عهد تجاوز نمودند و در آنجا به من خیانت ورزیدند (هوشع ۶: ۷).

این متن طغیان اسرائیل علیه خدا در دوران هوشع را با گناه آدم در باغ عدن مقایسه می‌کند. و از این صحبت می‌کند که چطور اسرائیل درست مانند آدم در زمان خودش از عهد خدا تجاوز کردند یا آن را شکستند.

سومین سند مبنی بر اینکه خدا وارد عهدی با آدم شد، در پیدایش ۶: ۱۸ پدیدار می‌شود. این اولین متنی در کتاب مقدس است که در آن اصطلاح «عهد» - یا بریت (berith - בְּרִית) در عبری - در واقع به کار می‌رود. در اینجا خدا با نوح اینطور صحبت می‌کند:

عهد خود را با تو استوار می‌سازم (پیدایش ۶: ۱۸).

این بخش مهم است چون از اصطلاح معمول برای آغاز یک عهد استفاده نمی‌کند. به طور معمول از فعل عبری کارات (karath - קָרַת) - که در لغت به معنای «بستن» است - برای توصیف انعقاد یک عهد جدید استفاده می‌شد. اما واژه‌ای که در اینجا «استوار» ترجمه شده، از فعل عبری کوم (qum - קָוַם)، و به معنای «تایید کردن» یا استوار ساختن عهدی است که پیش‌تر آغاز شده بود. وقتی خدا به نوح گفت که می‌خواهد عهد خودش با او را استوار کند، منظورش این بود که می‌خواهد یک عهد موجود را تایید کند - یعنی عهدی که خدا پیش‌تر با آدم بسته بود.

عهدی که خدا در زمان آدم منعقد ساخت، به بنیادی‌ترین ویژگی‌های تعامل خدا با بشریت می‌پرداخت. از همین رو، می‌توانیم آن را «عهد بنیادها»ی خدا بنامیم. خدا در این عهد، الگوهای بنیادین حیات را برای همه بشریت ترسیم کرد. آدم و حوا می‌بایست خدا را به عنوان تصاویر سلطنتی و کهناتی خدا خدمت می‌کردند و پادشاهی او را تا به اقصای زمین بسط می‌دادند. خدا وفاداری آنها را مورد آزمایش قرار داد. و اگر آدم و حوا او را اطاعت می‌کردند، برکاتی عظیم دریافت می‌کردند. اما ناطاعتی آنها به پیامدهای لعنت الهی منجر شد. به طور خلاصه، عهد با آدم پایه‌های نقش ما در پادشاهی خدا را مقرر ساخت.

پس از عهد خدا با آدم، عهد خدا در ایام نوح دومین عهد عمومی است. مطالب زیادی در مورد این عهد می‌توان بیان کرد، اما ما صرفاً به برخی از موضوعات مرکزی می‌پردازیم که پیش‌زمینه گزارش کتاب مقدس هستند.

## نوح

عهد خدا با نوح نیز در دوره آغازین پادشاهی خدا استوار شد و به برخی از اساسی‌ترین مسائلی مربوط می‌شود که تمام بشریت با آنها روبرو هستند. عهد با نوح نخست پیش از سیل در باب ۶ پیدایش مورد اشاره قرار می‌گیرد و سپس دوباره بعد از سیل، در باب ۹ نیز به آن اشاره می‌شود. گوش کنید که خدا در پیدایش ۶: ۱۸ چه می‌گوید:

لکن عهد خود را با تو استوار می‌سازم، و به کشتی در خواهی آمد، تو و پسرانت و زوجات و ازواج پسرانت با تو (پیدایش ۶: ۱۸).

خدا پیش از سیل به واسطه عهد و عده داد که اگر نوح شرایط ساخت کشتی را رعایت می‌کرد و حیوانات را به کشتی می‌آورد، نوح و خانواده‌اش را نجات می‌داد. پس از سیل در پیدایش ۹: ۱۱-۹ شاهد تجدید عهد خدا با نوح هستیم. خدا در این قسمت به نوح گفت:

اینک من عهد خود را با شما و بعد از شما با ذریت شما استوار سازم، و با همه جانورانی که با شما باشند... که بار دیگر هر ذی‌جسد از آب طوفان هلاک نشود، و طوفان بعد از این نباشد تا زمین را خراب کند (پیدایش ۹: ۱۱-۹).

همانطور که در اینجا می‌بینیم، عهد خدا با نوح صرفاً با وی و نسل او و «همه جانورانی» که در کشتی بودند بسته نشد. خدا اطمینان بخشید که «بار دیگر هر ذی‌جسد از آب طوفان هلاک نشود.»

خدا عهد خود با نوح را پس از آن منعقد ساخت که طغیان بشر علیه خدا منجر به سیلی عظیم در نتیجه دآوری خدا شده بود. اما عهد خدا با نوح پس از طوفان، ثبات نظم خلقت را تضمین کرد. و به این دلیل می‌توانیم آن را به عنوان «عهد ثبات» خدا مورد اشاره قرار بدهیم. وقتی نوح و خانواده‌اش کشتی را ترک کردند، خدا گرایش بشر به گناه را تصدیق کرد. و از طریق عهد، راهبردی بلند مدت معین ساخت تا بشر گناهکار بتواند اهداف پادشاهی او را برآورده سازد. همانطور که در پیدایش ۸: ۲۱-۲۲ می‌خوانیم:

و خداوند... گفت: «بعد از این دیگر زمین را به سبب انسان لعنت نکنم، زیرا که خیال دل انسان از طفولیت بد است، و بار دیگر همه حیوانات را هلاک نکنم، چنانکه کردم. مادامی که جهان باقی است، زرع و حصاد، و سرما و گرما، و زمستان و تابستان، و روز و شب موقوف نخواهد شد» (پیدایش ۸: ۲۱-۲۲).

خدا برای پیشبرد پادشاهی خود وعده داد که طبیعت پایدار خواهد ماند تا بشر گناهکار فرصت انجام خدمت خود به او را داشته باشد. این عهد عمومی مانند عهد با آدم، مفاد اساسی پادشاهی را معین ساخت که هنوز درباره همه انسان‌ها در تمام زمان‌ها و مکان‌ها اعمال می‌شود. همانطور که اندکی پیش‌تر دیدیم، تاریخ عهدهای خدا با عهدهای عمومی در آدم و نوح آغاز می‌شود. اکنون باید توجه خود را به عهدهای ملی معطوف کنیم - یعنی عهدهایی که خدا در زمان حرکت اسرائیل عهد عتیق به سوی مرحله مرکزی اهداف پادشاهی خود با آنها بست.

### عهدهای ملی

ما عهدهای ملی را نیز به ترتیب زمانی آنها مورد بررسی قرار خواهیم داد که با عهد ابراهیم آغاز می‌شود، سپس به عهد با اسرائیل در موسی، و نهایتاً عهد با داوود می‌رسد. بیایید با عهد خدا با ابراهیم شروع کنیم.

### ابراهیم

ابراهیم پاتریارک یا پدر همه اسرائیلیان بود. و به همین دلیل، خدا اولین عهد ملی خود را از طریق ابراهیم منعقد ساخت. می‌توانیم اشاراتی مستقیم به این عهد را در باب‌های ۱۵ و ۱۷ پیدایش ببینیم. نخستین اشاره به عهد خدا با ابراهیم - یا آنطور که در آن زمان خوانده می‌شد، «ابرام» - در پیدایش ۱۵: ۱۸ به چشم می‌خورد:

در آن روز، خداوند با ابرام عهد بست (پیدایش ۱۵: ۱۸).

در اینجا عبارت «عهد بست» در معنای حقیقی کلمه «بستن عهد» است و از اصطلاح عبری کارات (karath - קָרַח) استفاده می‌کند. همانطور که پیش‌تر اشاره کردیم، این طریق معمول برای نشان دادن آغاز یک رابطه عهدی بود. سپس، چند سال بعد، خدا عهد خود را با پاتریارک تایید یا تجدید کرد. در پیدایش ۱۷: ۱-۲ اینطور می‌خوانیم:

من هستم خدای قادر مطلق. پیش روی من بخرام و کامل شو. و عهد خویش را در میان خود و تو خواهم بست (پیدایش ۱۷: ۱-۲).

این یک عهد دوباره و متفاوت با ابراهیم نیست. بلکه خدا می‌گوید عهد خود را بین خودش و ابراهیم «تایید» خواهد کرد. این عبارت «خواهم بست» در اینجا ترجمه فعل عبری کوم (qum - קָמָה) است. این همان عبارتی است که ما در پیدایش ۶: ۱۸ و زمانی دیدیم که خدا عهد خود با آدم را در عهد خویش با نوح استوار ساخت یا تایید کرد.

خدا، هر بار که درباره این موضوع صحبت می‌کند، از «عهد من با ابراهیم» صحبت می‌کند. او هرگز به بیشتر از یک عهد اشاره نمی‌کند. و حتی می‌تواند به عنوان مثال، هنگامی که عهد خود را با اسحاق و یعقوب تایید می‌کند، به «عهدی که برای ابراهیم به آن سوگند خوردم» اشاره کند که برای کل عهد است و شامل تمام وعده‌های بخشیده شده در پیدایش ۱۲، ۱۵، ۱۷ و ۲۲ می‌شود. و پطرس هم در روز پنتیکاست اظهارات مشابهی دارد. و بنابراین، در این برداشت کتاب مقدس از آن، هیچکس از شیوة اشاره کتاب مقدس به آن فکر نمی‌کند که بیشتر از یک عهد وجود دارد... بنابراین، فکر می‌کنم هر تفسیر دیگری کمی تحمیلی است چون همه شواهد به طور طبیعی به این برداشت کمک می‌کنند که خدا فقط یک عهد با ابراهیم بسته است.

- دکتر جفری نیهاموس

عهد با ابراهیم، فرزندان او را از تمام بشریت مجزا می‌کند. خدا از طریق این عهد، اسرائیل را برای ایفای نقش راهبری در گسترش پادشاهی خود در سراسر جهان برگزید. فرزندان ابراهیم صاحبان سرزمین موعود می‌شدند. از نظر کمی افزایش پیدا می‌کردند. و پادشاهی خدا را تا به چهار گوشه زمین گسترش می‌دادند. از همین رو، عهد ابراهیم را می‌توان هم به عنوان عهد وعده خدا به اسرائیل و هم «عهد برگزیدگی اسرائیل» توصیف کرد. همانطور که در پیدایش ۱۵: ۱۸ می‌خوانیم:

در آن روز، خداوند با ابرام عهد بست و گفت: «این زمین را... به نسل تو بخشیده‌ام» (پیدایش ۱۵: ۱۸).

و در پیدایش ۱۷: ۲ می‌گوید:

عهد خویش را در میان خود و تو خواهم بست، و تو را بسیار بسیار کثیر خواهم گردانید (پیدایش ۱۷: ۲).

عهد خدا با ابراهیم، اهداف پادشاهی او را برای اسرائیل به عنوان قوم برگزیده‌اش تعیین کرد.

پس از اینکه خدا عهد خود را با ابراهیم منعقد ساخت، عهد ملی دیگری نیز بست - یعنی عهد با اسرائیل در موسی.

### موسی

مهم است بدانیم که عهد اسرائیل در روزگار موسی مغایر عهد خدا با ابراهیم نبود. موسی خود را به عنوان ارائه‌دهنده جایگزینی برای عهد خدا با ابراهیم نمی‌دید. بلکه بر عکس، موسی

مکر را به عهد ابراهیم به عنوان مبنای کار خود برای پادشاهی استناد می‌کرد. گوش کنید که موسی چطور در خروج ۳۲: ۱۳ به نمایندگی از قوم اسرائیل با خدا صحبت کرد:

بندگان خود ابراهیم و اسحاق و اسرائیل را به یاد آور که برای ایشان به ذات خود قسم خورده، بدیشان گفتم که ذریت شما را مثل ستارگان آسمان کثیر گردانم، و تمامی این زمین را که درباره آن سخن گفته‌ام به ذریت شما بخشم، تا آن را متصرف شوند تا ابدالآباد (خروج ۳۲: ۱۳).

همانطور که در اینجا می‌بینیم، عهد ملی با موسی یک عهد کاملاً جدید نبود که جایگزین عهد با ابراهیم شده باشد. بلکه بر اساس عهد گزینشی که خدا با ابراهیم بسته بود استوار شد و آن را پیش می‌برد.

گزارش اصلی ورود خدا به عهد با اسرائیل در روزگار موسی را در باب‌های ۱۹-۲۴ خروج می‌بینیم. همچنین تجدید این عهد با نسل دوم خروج را نیز در کتاب تثبیه پیدا می‌کنیم. هنگامی که خدا دوازده سبط اسرائیل را در دامنه کوه سینا گرد آورد، آنها را به ملتی بزرگ و قومی متحد به لحاظ سیاسی تبدیل کرد. البته، قوانین و مقرراتی برای قوم خدا پیش از زمان موسی نیز وجود داشت. اما مانند هر ملت جدیدی، یکی از نیازهای اصلی اسرائیل در این زمان نظامی حقوقی و مجموعه‌ای از مقررات برای اداره آنها بود. به همین دلیل، عهد با موسی را می‌توان به درستی «عهد شریعت» خدا خواند. در حقیقت، عهد موسی چنان بر شریعت تاکید داشت که وقتی قوم اسرائیل وارد این عهد شدند، متعهد شدند که تمام شریعت خدا را حفظ کنند. در خروج ۱۹: ۷-۸ به ما گفته شده است:

پس موسی آمده، مشایخ قوم را خواند، و همه این سخنان را که خداوند او را فرموده بود، بر ایشان القا کرد. و تمامی قوم به یک زبان در جواب گفتند: «آنچه خداوند امر فرموده است، خواهیم کرد» (خروج ۱۹: ۷-۸).

بنابراین، می‌بینیم که دومین عهد با قوم اسرائیل عهدی با موسی بود؛ عهدی که دقیقاً بر آنچه قوم در این زمان نیاز داشتند تاکید می‌کرد - یعنی شریعت خدا. حال پس از نگاه به عهدهای خدا با ابراهیم و موسی، باید به سراغ آخرین عهد ملی اسرائیل در عهد عتیق برویم.

## داوود

وقتی که اسرائیل به یک پادشاهی تمام عیار تبدیل شد، خدا عهدی با داوود پادشاه بست. عهد خدا با داوود خارج از چارچوب عهد او در کوه سینا نبود. بلکه این عهد هم بر پایه عهد موسی استوار شد و آن را پیش می‌برد. همانطور که سلیمان در دوم تواریخ ۶: ۱۶ روشن ساخت، وعده‌های خدا به داوود به وفاداری به شریعت موسی متکی بود. همانطور که می‌خوانیم:



پس الآن ای یهوه خدای اسرائیل با بنده خود پدرم داوود آن وعده را نگاه دار که به او داده و گفته‌ای که به حضور من کسی که بر کرسی اسرائیل بنشیند برای تو منقطع نخواهد شد، به شرطی که پسرانت طریق‌های خود را نگاه داشته، به شریعت من سلوک نمایند چنانکه تو به حضور من رفتار نمودی (دوم تواریخ ۶: ۱۶).

همانطور که این متن نشان می‌دهد، عهد خدا با داوود بر خاندان سلطنتی داوود تمرکز داشت اما خاندان داوود موظف بودند «به شریعت [خدا] سلوک نمایند» - یعنی شریعت موسی. به طور معمول، مفسرین کتاب مقدس چنین مطرح می‌کنند که خدا این عهد را در اوج سلطنت داوود در باب ۷ دوم سموئیل منعقد کرد. حتی با وجود اینکه این باب از واژه «عهد» استفاده نمی‌کند، اما چند آیه صراحتاً به این حقیقت اشاره می‌کنند که خدا با داوود عهد بست. به عنوان مثال، وعده خدا به داوود در مزمور ۸۹: ۳-۴ را بشنوید:

با برگزیده خود عهد بسته‌ام. برای بنده خویش داود قسم خورده‌ام. که ذریت تو را پایدار خواهم ساخت تا ابدالآباد و تخت تو را نسلا بعد نسل بنا خواهم نمود (مزمور ۸۹: ۳-۴).

همانطور که در اینجا می‌بینیم، عهد داوود بر پادشاهی در اسرائیل تاکید داشت. یا به عبارت دقیق‌تر، خاندان داوود را به عنوان سلسله سلطنتی پایدار «برای همه نسل‌های» اسرائیل برقرار ساخت.

وعده خدا به داوود در باب ۷ دوم سموئیل اهمیت زیادی در تاریخ نجات دارد. این یک فصل محوری در درک تاریخ رستگاری به طور کلی است... ما در این فصل چیزی را می‌بینیم که عهد داوودی خوانده می‌شود. این یک عهد بسیار مهم است که در آن شاهد دیدگاهی جدید درباره نجات‌دهنده هستیم؛ اینکه نجات‌دهنده پسر داوود خواهد بود. اصطلاح «پسر داوود» یک اصطلاح عادی در کتاب مقدس نیست. هر بار که «پسر داوود» را می‌بینید لازم است که واژه «پادشاه» را به یاد بیاورید. داوود پادشاه بود، و در این باب، خداوند به او وعده داد که پسرش تا ابد بر تخت تخت پادشاهی - خواهد نشست. یکی از فرزندان داوود تا ابد بر تخت داوود پادشاهی می‌کرد. - شریف عاطف فهیم

وقتی داوود به پادشاهی بر قوم خدا رسید، خدا پادشاهی خود را با تعیین خاندان داوود به عنوان نسلی که تا ابد بر اسرائیل حکومت خواهند کرد به پیش برد. از آن زمان به بعد، از طریق حاکمیت وفادارانه خاندان داوود بود که اسرائیل نقش خود را در گسترش پادشاهی خدا به چهار گوشه جهان ایفا کرد. به همین دلیل، می‌توانیم عهد داوود را «عهد پادشاهی» خدا بنامیم.

حال که دیدیم که چطور تاریخ عهد‌های خدا شامل عهد‌های عمومی و ملی می‌شود، باید به عهد تازه نگاه کنیم؛ عهدی که انبیای عهد عتیق پیشگویی کرده بودند که خدا آن را در مرحله‌ نهایی پادشاهی خود منعقد خواهد ساخت.

### عهد تازه

اکثر مسیحیان او انجلیکال با آنچه که کتاب مقدس درباره عهد تازه تعلیم می‌دهد آشنایی دارند چون یکی از محورهای اساسی تعلیم عهد جدید است. اما اغلب اوقات ما از درک این مسئله غافل می‌شویم که آنچه عهد جدید درباره عهد تازه به ما می‌گوید، در آنچه که انبیای عهد عتیق درباره عهد تازه گفتند ریشه دارد. از دید آنها، عهد تازه تحقق همه عهد‌های پیشین کتاب مقدسی است. و نشان می‌دهد که وقتی اهداف پادشاهی خدا در زمان‌های آخر در طریق ماشیح محقق می‌شوند، خدا چگونه پادشاهی خود را اداره می‌کند.

تعدادی از انبیا پیشگویی کردند که پس از پایان تبعید، خدا با باقیمانده وفادار اسباط اسرائیل و یهودا عهدی خواهد بست. و در آن زمان، پادشاهی خدا از طریق ماشیح تا به اقصای زمین گسترش پیدا می‌کرد. گوش کنید که ارمیا ۳۱: ۳۱ چطور از «عهد تازه» صحبت می‌کند:

خداوند می‌گوید: «اینک ایامی می‌آید که با خاندان اسرائیل و خاندان یهودا عهد تازه‌ای خواهم بست» (ارمیا ۳۱: ۳۱).

حزقیال نبی در حزقیال ۳۷: ۲۶ و در چندین موقعیت دیگر، از همین عهد به عنوان یک «عهد سلامتی» جاودانه صحبت می‌کند. در آنجا می‌خوانیم:

با ایشان عهد سلامتی خواهم بست که برای ایشان عهد جاودانی خواهد بود و ایشان را مقیم ساخته، خواهم افزود و مقدس خویش را تا ابدالابد در میان ایشان قرار خواهم داد (حزقیال ۳۷: ۲۶).

و همانطور که همه مسیحیان می‌دانند، پولس در اول قرن‌تین ۱۱: ۲۵ با یادآوری سخنان عیسی در شام آخر به قرن‌تین، روشن ساخت که این عهد سلامتی تازه جاودانی در مسیح محقق شد:

این پیاله عهد جدید است در خون من. هرگاه این را بنوشید، به یادگاری من بکنید (اول قرن‌تین ۱۱: ۲۵).

خدا پادشاهی خود در دوران عهد جدید را از طریق این عهد تازه در مسیح اداره کرد. عهد تازه همزمان با تحقق همه آنچه که خدا در عهد‌های پیشین در نظر داشت توسط مسیح، بر قوم خدا حکومت می‌کند. و به همین دلیل مناسب است که از این عهد با عنوان «عهد تحقق» صحبت کنیم.

این عهد تحقق قرار بود وقتی که خدا به تبعید قوم خود پایان می‌داد و پادشاهی خود را تا به اقصای زمین گسترش می‌داد، بر آنها حکومت کند. عهد تازه تعهد خدا برای تبدیل قوم خود به نژادی بخشوده و نجات‌یافته است که کاملاً قدرت پیدا کرده‌اند تا بی‌قصور به او خدمت کنند. گوش کنید که ارمیا چگونه این نجات را در ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۴ توصیف کرد:

خداوند می‌گوید: «اینک ایامی می‌آید که با خاندان اسرائیل و خاندان یهودا عهد تازه‌ای خواهم بست. نه مثل آن عهدی که با پدران ایشان بستم در روزی که ایشان را دستگیری نمودم تا از زمین مصر بیرون آورم زیرا که ایشان عهد مرا شکستند، با آنکه خداوند می‌گوید من شوهر ایشان بودم.» اما خداوند می‌گوید: «اینست عهدی که بعد از این ایام با خاندان اسرائیل خواهم بست. شریعت خود را در باطن ایشان خواهم نهاد و آن را بر دل ایشان خواهم نوشت و من خدای ایشان خواهم بود و ایشان قوم من خواهند بود. و بار دیگر کسی به همسایه‌اش و شخصی به برادرش تعلیم نخواهد داد و نخواهد گفت خداوند را بشناس. زیرا خداوند می‌گوید: جمیع ایشان از خرد و بزرگ مرا خواهند شناخت، چونکه عصیان ایشان را خواهم آمرزید و گناه ایشان را دیگر به یاد نخواهم آورد (ارمیا ۳۱: ۳۴-۳۱).

حال همیشه باید به یاد داشته باشیم که مسیح مرحله‌نهایی پادشاهی خدا را در سه وهله تحقق می‌بخشد. او آن را به واسطه خدمت زمینی خود، نزول روح‌القدس، و کار رسولان خود تاسیس کرد. در سرتاسر تاریخ کلیسا تداوم می‌یابد. و زمانی که مسیح در جلال خود برگردد، تکمیل خواهد شد. در آن روز، عهد تازه تحقق کل تاریخ عهد‌های خدا خواهد بود. و اهداف خدا در پس اجرای عهد‌های آدم، نوح، ابراهیم، موسی، و داوود را به ثمر می‌نشانند.

باب ۸ عبرانیان درباره برقراری عهد تازه صحبت می‌کند، و این یک عهد کاملاً جدید نیست. این عهد، وعده‌ای در عهد عتیق بود. در حقیقت، نقل‌قول‌ها از باب ۳۱ ارمیا و وعده یک عهد تازه. خدا با اسرائیل عهدی در کوه سینا بست، اما وعده داد که یک روز – اسرائیل آن عهد را شکسته بودند – و یک روز خدا عهد تازه‌ای دوباره برقرار خواهد کرد، و آن عهد تازه قوانین مکتوب بر روی الواح سنگی نخواهد داشت. قوانین این عهد بر روی قلب‌ها نوشته می‌شد... بنابراین، وعده عهد تازه در باب ۳۱ ارمیا محقق شد، و این همان چیزی است که نویسنده درباره‌اش استدلال می‌کند. و با تحقق این وعده، نجات خدا در حال حاضر فقط برای اسرائیل نیست، بلکه برای همه ملت‌ها در همه جا وجود دارد. بنابراین، نویسنده می‌گوید که در تمام طول این مدت، این همان چیزی است که خدا در نظر داشت، یعنی این تحقق وعده‌ها.

- دکتر مارک استرائوس

بعد از اینکه پیوندهای بین پادشاهی خدا و عهدها را دیدیم و اینکه خدا چطور پادشاهی خود را در طول تاریخ عهدهایش به پیش برد، باید به سراغ سومین موضوعمان برویم: یعنی پویایی عهدها.

### پویایی عهدها

همانطور که پیش‌تر در این درس اشاره کردیم، برخی از مفسرین وجود پویایی بنیادین سخاوتمندی الهی، وفاداری بشر، و پیامدهای برکت و لعنت در تمام عهدهای الهی را منکر شده‌اند. درست است که گزارش کتاب مقدس هر یک از عهدهای عهد عتیق تأکیدات متمایزی دارد. با این حال، وقتی که تصویر گسترده‌تر کتاب مقدس از تاریخ عهد عتیق را در نظر داشته باشیم، می‌توانیم ببینیم که پویایی تعاملات خدا با قوم خود در اجرای هر عهد ثابت ماند.

عهد آدم بر الگوهای خاصی تأکید داشت که در آغاز جهان ایجاد شده بودند. عهد نوح بر ثبات طبیعت تأکید می‌کرد. تأکید عهد ابراهیم بر وعده‌ها و گزینش خدا بود. عهد موسی بر شریعت خدا تأکید کرد. عهد داوود، خاندان او را به عنوان خانواده سلطنتی ویژه و برگزیده خدا برجسته می‌ساخت. و تأکید عهد تازه نیز بر تحقق قرار داشت.

اما این تأکیدات، یک توصیف جامع از حیات عهدی نیستند؛ آنها فقط به نکات برجسته مشخصی می‌پردازند. برای مشاهده تصویر کامل‌تری از پویایی زندگی در عهد باید بدانیم که زندگی در عهد با خدا شامل مواردی بسیار بیشتر از این تأکیدات است. پویایی زندگی در عهد با خدا همیشه شامل سخاوتمندی او، الزام وفاداری بشر، و پیامدهایی برای وفاداری و بی‌وفایی است. با این حال، مهم است که هرگز اینطور فکر نکنیم که پویایی عهد به صورت مکانیکی عمل می‌کند؛ که گویی اجرای پویایی عهد خدا همیشه قابل پیش‌بینی است. بلکه خدا همیشه امتیاز ویژه سلطنتی خود را در تعامل با افراد، گروه‌ها و کل بشریت محفوظ نگه می‌دارد. او از امتیاز خود به عنوان پادشاه استفاده کرد تا پویایی عهدهای خود را به گونه‌ای اجرا کند که اهداف بزرگ پادشاهی او را تحقق ببخشند. او در جایی که مناسب دید، سخاوتمندی نشان داد. بر اساس حکمت سلطنتی خود، بر معیارهای خاصی از وفاداری تأکید ورزید. او به تشخیص خود برکت داد و لعنت کرد.

اغلب ما نمی‌توانیم درک کنیم که چرا خدا به برخی از انسان‌ها سخاوت نشان داد و آن را از دیگران دریغ کرد. تلاش می‌کنیم تا بفهمیم چرا او برخی از معیارهای وفاداری را برای بعضی از افراد، قابل‌توجه‌تر از دیگران در نظر می‌گرفت. گاهی نمی‌توانیم توضیح بدهیم که چرا خدا بعضی از افراد را برکت داد و بعضی دیگر را لعنت کرد. نویسندگان عهد عتیق بارها توضیح دادند که چرا خدا از امتیازات ویژه سلطنتی خود اینطور یا آنطور استفاده کرد. در زمان‌هایی دیگر، آنها از چنین توضیحی اجتناب کردند. به هر روی، ما می‌دانیم که خدا نیکو، و حکمت او بسیار فراتر از حکمت ما است. بنابراین، روشی که او پویایی بنیادین زندگی در عهد با خودش را اداره کرد، با فروتنی می‌پذیریم.

برای توضیح چگونگی نفوذ پویایی عهد‌های خدا به عهد عتیق، خلاصه‌وار به هر یک از عهد‌های عهد عتیق خواهیم پرداخت. نخست، به عهد‌های عمومی دوره تاریخ آغازین نگاهی می‌اندازیم. دوم، عهد‌های ملی را در نظر خواهیم گرفت که خدا با اسرائیل بست. و سوم، نگاهی به عهد تازه در مسیح خواهیم داشت. بیایید ابتدا به این پویایی در عهد‌های عمومی نگاه کنیم.

### عهد‌های عمومی

همانطور که به یاد دارید، خدا در طی دوره تاریخ آغازین عهد بنیادها را با آدم و عهد ثبات طبیعت را با نوح منعقد ساخت. اما تعاملات خدا با آدم صرفاً به ایجاد شالوده‌های پادشاهی نمی‌رسید. و تعاملات بین بشر و خدا تحت عهد نوح شامل مواردی بسیار بیشتر از ثبات طبیعت بود. مانند همه عهد‌های الاهی، خدا زندگی تحت این عهد‌ها را نیز از طریق پویایی سخاوتمندی الاهی، وفاداری بشر، و پیامدهای برکت و لعنت اداره کرد.

ما به طور خلاصه خواهیم دید که چطور این موضوع درباره هر یک از عهد‌های عمومی صادق است؛ نخست در عهد با آدم و سپس در عهد با نوح. بیایید با آدم شروع کنیم.

### آدم

در وهله اول، خدا حتی پیش از آنکه نخستین مرد و زن مرتکب گناه شوند، سخاوت زیادی به آنها نشان داد. او دنیا را برای بشریت آماده کرد، و آن را از آشفتگی به نظم درآورد. و یک باغ باشکوه درست کرد و آدم و حوا را در آن قرار داد. و هر روزه انواع امتیازات و برکات را به نسل بشر بخشید که دامنه آن حتی به فرای سقوط در گناه می‌رسد.

همه عهد‌های کتاب مقدسی سخاوتمندی خدا را از راه‌های مختلف نشان می‌دهند. یکی از راه‌های ساده‌ای که می‌توانیم این را ببینیم این است که خدا بدون هیچ التزام و اجباری تصمیم گرفت تا وارد یک رابطه با قوم خودش بشود... سخاوتمندی الاهی همچنین در این دیده می‌شود که خدا چطور برکات فراوانی به قوم خود می‌دهد تا از آنها برخوردار بشوند. در مورد آدم و حوا، در اولین عهد، سخاوت الاهی در این نشان داده شد که چطور خدا همه آنچه که آفریده بود را در اختیار آنها قرار داد.

- دکتر دیوید کوریا

در وهله دوم، عهد با آدم نیز مستلزم وفاداری بشر بود. خدا علاوه بر اینکه از آدم و حوا خواست تا به عنوان تصویرهای او به وی خدمت کنند، همچنین وفاداری آنها را نیز با درخت معرفت نیک و بد مورد آزمایش قرار داد. همانطور که خدا در پیدایش ۲: ۱۶-۱۷ فرمان داد:

از همه درختان باغ بی‌مانعت بخور، اما از درخت معرفت نیک و بد زهار نخوری (پیدایش ۲: ۱۶-۱۷).

حتی بعد از آنکه آدم و حوا در این آزمون شکست خوردند، خدا به طلب وفاداری انسانی از آنها و فرزندان بلاواسطه‌شان ادامه داد. و در وهله سوم، پیامدهایی برای اطاعت و ناطاعتی آدم و حوا وجود داشت. خدا صریحا به آدم و حوا گفت که اگر سست‌پیمان باشند و از میوه ممنوعه بخورند، متحمل پیامدهای لعنت او خواهند شد. او در پیدایش ۲: ۱۷ به آنها گفت:

روزی که از آن خوردی، هرآینه خواهی مرد (پیدایش ۲: ۱۷).

و به طور ضمنی، اگر آدم و حوا با اطاعت از فرمان خدا این آزمون را پشت سر می‌گذاشتند، برکت زیادی می‌یافتند. زندگی آدم با خدا شامل همه پویایی‌های عهد خدا بود. و همانطور که از کتاب پیدایش می‌دانیم، آنچه در مورد آدم و حوا صدق می‌کرد، برای تمام نسل‌هایی هم که هر روزه تحت عهد خدا با آدم زندگی می‌کردند صادق بود. در صلاحدید سلطنتی خدا، در طول این دوره از تاریخ زندگی با خدا همچنان شامل سخاوتمندی الاهی، وفاداری بشر، و پیامدهای آن بود. علاوه بر عهد عمومی با آدم، نوح و دیگران تحت عهد او نیز با همان شرایط پویایی سه‌جانبه در حضور خدا زندگی کردند.

## نوح

نخست، سخاوت خدا راه را برای عهد نوح هموار کرد. وقتی خدا تصمیم گرفت که در داوری عادلانه خود نسل بشر را از بین ببرد، همچنین تصمیم گرفت که نوح و خانواده او را حفظ کند. همانطور که در پیدایش ۶: ۸ می‌خوانیم:

اما نوح در نظر خداوند التفات یافت (پیدایش ۶: ۸).

خدا مهربانی فراوانی نسبت به نوح و خانواده‌اش نشان داد. و مهربانی‌هایی مشابهی، فراتر از روزگار نوح شامل حال فرزندان او نیز شد. دوم، خدا از نوح وفاداری خواست. او به نوح فرمان داد تا کشتی را بسازد و حیوانات را گرد بیاورد. به پیدایش ۶: ۱۸-۱۹ گوش کنید که عهد با نوح ارتباط نزدیکی به مسئولیت او دارد. در آنجا می‌خوانیم:

عهد خود را با تو استوار می‌سازم، و به کشتی در خواهی آمد... از هر ذی‌جسدی، جفتی از همه به کشتی در خواهی آورد، تا با خویشان زنده نگاه داری، نر و ماده باشند (پیدایش ۶: ۱۸-۱۹).

نوح مسئولیت داشت تا با ورود به کشتی همراه خانواده‌اش و همچنین آوردن حیوانات برای زنده نگه داشتن آنها، به پادشاه الاهی خود وفاداری نشان بدهد. و حتی بعد از سیل، در پیدایش ۹: ۷، خدا نوح و فرزندان او را فرا خواند تا نقش بشر به عنوان تصاویر خدا را انجام دهند. خدا در میان مطالب دیگر به آنها گفت:

و شما بارور و کثیر شوید، و در زمین منتشر شده، در آن بیفزایید (پیدایش ۹: ۷).

خدا به فراخوانی نوح و نسل‌های پس از او به وفاداری به خود ادامه داد. سوم، در طی دوره عهد نوح پیامدهایی برای اعمال مطیعانه و نامطیعانه انسان وجود داشت. خود نوح به خدا وفادار بود. بنابراین، خدا از قربانی او پس از طوفان خشنود شد و او را با دنیایی پایدار برکت داد. همانطور که در پیدایش ۸: ۲۰-۲۱ می‌خوانیم:

نوح مذبحی برای خداوند بنا کرد، و از هر بهیمه پاک و از هر پرنده پاک گرفته، قربانی‌های سوختنی بر مذبح گذراندید. و خداوند بوی خوش بویید و خداوند در دل خود گفت: «بعد از این دیگر زمین را به سبب انسان لعنت نکنم، زیرا که خیال دل انسان از طفولیت بد است، و بار دیگر همه حیوانات را هلاک نکنم، چنانکه کردم» (پیدایش ۸: ۲۰-۲۱).

اما خدا همچنین بعد از سیل نیز روشن ساخت که طغیان علیه او، پیامدهای شدید لعنت او را همراه خود خواهد داشت. برای نمونه، خدا در پیدایش ۹: ۶ به لعنتی اشاره کرد که شامل قاتلین می‌شد:

هر که خون انسان ریزد، خون وی به دست انسان ریخته شود (پیدایش ۹: ۶).

همانطور که گزارش پیدایش از راه‌های مختلف نشان می‌دهد، طیف کاملی از پویایی عهد به تاثیرگذاری بر زندگی هر فرد در طول دوره عهد نوح ادامه می‌داد. حال، پویایی عهدهای خدا فقط ویژگی حیات در طول دوره عهدهای عمومی مربوط به تاریخ آغازین نیست. آنها همچنین زندگی در حضور خدا طی دوره عهدهای ملی را نیز شکل دادند که خدا با اسرائیل بسته بود.

### عهدهای ملی

عهد ابراهیمی بر گزینش اسرائیل و وعده‌های آن تاکید داشت، عهد موسایی ارائه شریعت را برجسته کرد، و عهد داوودی بر نقش دائمی خاندان او تاکید می‌کرد. اما حیات در دوران عهد ابراهیم شامل بیش از گزینش اسرائیل و وعده‌ها بود. در زمان عهد موسی موارد بیشتری از ارائه

شریعت وجود داشتند. و در عصر عهد داوود، تعاملات خدا با قوم خود فقط شامل خاندان داوود نمی‌شد و فرای آن می‌رفت. درست مانند عهد‌های پیشین، هر یک از عهد‌های ملی هم با سخاوتمندی الاهی، وفاداری بشر، و پیامدهای برکت و لعنت شکل گرفته بود. یک بار دیگر، ما به این عهد‌های ملی بر اساس ترتیب زمانی آنها نگاه خواهیم کرد: نخست، عهد با ابراهیم؛ دوم، عهد با موسی؛ و سوم، عهد با داوود. بیایید با ابراهیم شروع کنیم.

### ابراهیم

در وهله اول، خدا سخاوت زیادی به ابراهیم نشان داد. برای مثال، زمانی که خدا نخستین بار ابراهیم را خواند تا به کنعان مهاجرت کند، مهربانی عظیمی به او نشان داد. پیدایش ۱۲: ۲ را در نظر بگیرید که خدا گفت:

از تو امتی عظیم پیدا کنم و تو را برکت دهم، و نام تو را بزرگ سازم، و تو برکت خواهی بود (پیدایش ۱۲: ۲).

خدا در سراسر زندگی ابراهیم به این پاتریارک رحمت نشان داد. او گناهان ابراهیم را بخشید، او را عادل به حساب آورد و در برابر مشکلات از او محافظت کرد. و همین نکته درباره هر نسلی از فرزندان ابراهیم تحت عهد خدا با او نیز صادق بود. دوم، خدا همچنین از ابراهیم پاتریارک وفاداری طلب کرد. برای نمونه، در فراخوان ابتدایی خدا، ابراهیم ملزم به اطاعت بود. همانطور که در پیدایش ۱۲: ۱ می‌خوانیم، خدا به او فرمان داد که:

از ولایت خود، و از مولد خویش و از خانه پدر خود به سوی زمینی که به تو نشان دهم بیرون شو (پیدایش ۱۲: ۱).

خدا از ابراهیم خواست که وطن و خانواده‌اش را ترک کند و به مکانی برود که پیش‌تر هرگز ندیده بود. و در پیدایش ۱۷: ۱-۲، هنگامی که خدا عهد خود را تایید کرد، لزوم وفاداری را با این سخنان به ابراهیم یادآور شد:

من هستم خدای قادر مطلق. پیش روی من بخرام و کامل شو. و عهد خویش را در میان خود و تو خواهم بست، و تو را بسیار بسیار کثیر خواهم گردانید (پیدایش ۱۷: ۱-۲).



اگرچه بسیاری از مسیحیان نمی‌توانند این نکته را ببینند، اما رابطه عهدی خدا با ابراهیم شامل طلب وفاداری بود. خدا بارها و بارها از ابراهیم و همه نسل‌های تحت عهد او اطاعت خواست.

اگر به رابطه ابراهیم با خدا نگاه کنید، یکی از مواردی بود که به طور مستقل آغاز شد. این رابطه در آنجایی مَهر شد که... خدا لعنت‌های عهد را با پاره کردن حیوانات در باب ۱۵ پیدایش از طرف خودش برداشت، اما هیچکدام از اینها قیدهای ابراهیم را حذف نکردند. و بنابراین، اطاعت از فرمان‌های خدا، که می‌توانیم آن را به راحتی «وفاداری» به فرمان‌های خدا بخوانیم، وفاداری برای اعتماد به خداوند، ساز و کاری هست که ابراهیم به واسطه آن برکات عهد را اداره می‌کند.

- کشیش مایکل گلودو

سوم، خدا روشن ساخت که پیامدهایی برای اطاعت و ناطاعتی ابراهیم وجود داشتند. یک بار دیگر به پیدایش ۱۷: ۱-۲ گوش کنید. در آیه ۱ خدا به ابراهیم گفت:

من هستم خدای قادر مطلق. پیش روی من بخرام و کامل شو (پیدایش ۱۷: ۱).

و سپس در آیه ۲:

و عهد خویش را در میان خود و تو خواهم بست، و تو را بسیار بسیار کثیر خواهم گردانید (پیدایش ۱۷: ۲).

خدا با صراحت بیان کرد که افزایش نسل‌های ابراهیم یک پیامد برکت برای اطاعت ابراهیم خواهد بود. و همچنین، خدا متقابلاً این را نیز گفت که عدم وفاداری منجر به لعنت‌های سختی خواهد شد. به عنوان یک مثال دیگر، گوش کنید که در پیدایش ۱۷: ۱۰-۱۴ به ابراهیم چه گفت:

این است عهد من که نگاه خواهید داشت، در میان من و شما و ذریت تو بعد از تو هر ذکوری از شما مختون شود... و اما هر ذکور نامختون که گوشت قَلْفَة او ختنه نشود، آن کس از قوم خود منقطع شود، زیرا که عهد مرا شکسته است (پیدایش ۱۷: ۱۰-۱۴).

خدا خواستار ختنه به عنوان نشانه‌ای از وفاداری به عهد بود و اگر هر فرزند مذکری ختنه نمی‌شد، باید متحمل لعنت جدایی از قوم خود می‌شد. آنها از برکات زندگی عهدی محروم می‌شدند. هر سه مورد پویایی عهد، تعاملات شخصی ابراهیم با خدا را شکل دادند و به تنظیم زندگی افراد پس از او نیز ادامه دادند.

دومین عهد ملی که خدا با اسرائیل بست، عهد با موسی در کوه سینا بود. همانطور که دیدیم، این عهد بر شریعت خدا تاکید داشت. اما اشتباه بسیار بزرگی است که فکر کنیم سایر موارد پویایی عهد، از زندگی تحت عهد موسی غایب بودند.

### موسی

برای اینکه ببینیم تمام موارد پویایی عهد در عهد موسی عملکننده بودند، بیایید نگاهی اجمالی به محور این عهد، یعنی ده فرمان داشته باشیم. نخست، سخاوتمندی الاهی در مقدمه پیش از شریعت خدا مشهود است. به یاد دارید که ده فرمان در خروج ۲۰: ۲ اینطور شروع می‌شوند:

من هستم یهوه، خدای تو، که تو را از زمین مصر و از خانه غلامی بیرون آوردم (خروج ۲۰: ۲).

عهد با موسی یک عهد اعمال نبود؛ بلکه بر پایه رحمت و فیض خدا بنا شده بود. و خدا در سرتاسر دوره عهد خود با موسی به نشان دادن محبت‌هایی اینچنین به اسرائیل ادامه داد. با این حال، ده فرمان کاملاً روشن می‌سازند که خدا از قوم خود وفاداری می‌خواست. همانطور که اولین فرمان در خروج ۲۰: ۳ بیان می‌کند:

تو را خدایان دیگر غیر از من نباشد (خروج ۲۰: ۳).

فیض الاهی مغایر وفاداری بشر نبود. بلکه پشتیبان آن بود و منجر به واکنش قدرشناسانه وفاداری از سوی اسرائیل شد.

خدا قبل از آنکه هیچ شریعتی به قوم خودش بدهد، فیضش را به آنها یادآوری کرد - «من هستم یهوه، خدای تو، که تو را از زمین مصر و از خانه غلامی بیرون آوردم.» و کاری که انجام می‌دهد این است که بقیه ده فرمان را تنظیم می‌کند، نه به عنوان قوانینی برای تبدیل شدن به قوم خدا، بلکه به قوم خدا یک اتوس یا شخصیت می‌بخشد، یا یک راه زندگی، که به آنها اجازه می‌دهد به فیض خدا واکنش نشان بدهند... در نخستین فرمان‌ها اساساً این را داریم که، چطور خدا را محبت می‌کنید؟ و شما خدا را با نداشتن خدای دیگری در حضور خداوند، با درست نکردن مجسمه یا تصویری از خدا، و با عدم استفاده باطل از اسم خدا محبت می‌کنید... بعد در نیمه دوم ده فرمان که با «پدر و مادر خود را احترام نما» شروع می‌شود، مجموعه‌ای از قوانین داریم که به ما معیارهای تعامل با مردم را می‌دهند چون با خدای کتاب مقدس این فقط یک روحانیت فردی نیست؛ یک بخش مشترک هم دارد. اینکه صرفاً خدا را محبت کنیم کافی نیست. این نکته حیاتی است، اما بعد باید آن را با شیوه‌ای که زندگی می‌کنیم و به دیگران محبت می‌کنیم بیانش کنیم و این قسمت دوم ده فرمان است.

**- دکتر براین راسل**

علاوه بر این، ده فرمان از پیامدهای اطاعت و ناطاعتی صحبت می‌کند. در خروج ۲۰: ۴-۶ می‌خوانیم:

صورتی تراشیده و هیچ تمثالی... برای خود مساز. نزد آنها سجده مکن، و آنها را عبادت منما، زیرا من که یهوه، خدای تو می‌باشم، خدای غیور هستم، که انتقام گناه پدران را از پسران تا پشت سوم و چهارم از آنانی که مرا دشمن دارند می‌گیرم. و تا هزار پشت بر آنانی که مرا دوست دارند و احکام مرا نگاه دارند، رحمت می‌کنم (خروج ۲۰: ۴-۶).

اکنون که پویایی عهدهای خدا با ابراهیم و موسی را دیدیم، بیایید به آخرین عهد ملی خدا با اسرائیل عهد عتیق نگاه کنیم - یعنی عهد با داوود. تاکید این عهد بر آن بود که خدا نسل داوود را به عنوان خاندانی دائمی مقرر می‌کرد تا بر اسرائیل حکمرانی کنند.

**داوود**

البته، وقتی به گزارش‌های وسیع‌تر از زندگی داوود و فرزندان او نگاه می‌کنیم، مشخص می‌شود که زندگی در این عهد شامل سخاوتمندی الاهی، وفاداری بشر، و پیامدهایی برای اطاعت و ناطاعتی بود. برای مثال، گوش کنید که مزمو ۸۹: ۳-۴ چطور در مورد سخاوت خدا نسبت به داوود صحبت می‌کند:

با برگزیده خود عهد بسته‌ام. برای بنده خویش داوود قسم خورده‌ام. که ذریت تو را پایدار خواهم ساخت تا ابدالآباد و تخت تو را نسلا بعد نسل بنا خواهم نمود (مزمو ۸۹: ۳-۴).

این آیات بازتابی از سخاوتی هستند که خدا با انتخاب داوود و فرزندان او و حمایت از آنها به عنوان پادشاهان مشروع اسرائیل، به داوود نشان داد. اما خدا همچنین خواستار وفاداری نیز بود و نسبت به پیامد لعنت‌ها در قبال ناطاعتی در این عهد تهدید کرد. به مزمو ۸۹: ۳۰-۳۲ گوش کنید:

اگر فرزندان شریعت مرا ترک کنند، و در احکام من سلوک ننمایند... آنگاه معصیت ایشان را به عصا تادیب خواهم نمود و گناه ایشان را به تازیانه‌ها (مزمو ۸۹: ۳۰-۳۲).

همانطور که در اینجا می‌بینیم، اگر فرزندان داوود شریعت خدا را ترک می‌کردند، به شدت تنبیه می‌شدند. اما همانطور که متون بی‌شماری به ما می‌گویند، اگر داوود و فرزندان او به خدا

وفادار بودند برکات بزرگی شامل آنها می‌شد. و البته، برکات و لعنت‌ها در خاندان داوود بر حیات تمام قوم خدا از آن زمان به بعد موثر بود. با در نظر داشتن پویایی حیات در عهدهای عمومی و ملی، آماده‌ایم تا به عهد تازه، عهد تحقق، بپردازیم.

### عهد تازه

خدا حرکت رو به جلوی پادشاهی خود را با بنای عهدی بر عهد دیگر در طول تاریخ عهد عتیق اداره کرد. اما همانطور که می‌دانیم، مصادف با زمانی که عیسی روی زمین آمد، اسرائیل چنان آشکارا علیه خدا طغیان کرده بود که خدا لعنت‌های سختی بر قوم خود نازل کرده بود. تنها عده کمی از اسرائیل وفادار مانده بودند. اما در عهد تازه، پادشاهی خدا به تحقق خود می‌رسید. و پادشاهی خدا تحت سلطنت مسیح تا به اقصای زمین گسترش پیدا می‌کرد. از این منظر، عهد تازه با آنچه خدا در گذشته انجام داد مخالفتی ندارد. بلکه آن هدفی که خدا در سرتاسر تاریخ برای پادشاهی خود در نظر داشت را تحقق می‌بخشد. بنابراین به هیچوجه نباید تعجب کنیم که ببینیم پویایی سه جانبه زندگی در عهد با خدا، ویژگی عهد تازه نیز هست. در وهله اول، عهد تازه شامل سخاوتمندی خدا است. خدا وعده داد که مهربانی عظیمی به قوم تبعید شده خود در زمان برقراری عهد تازه نشان بدهد. همانطور که ارمیا ۳۱: ۳۴ می‌گوید:

عصیان ایشان را خواهم آمرزید و گناه ایشان را دیگر به یاد نخواهم آورد (ارمیا ۳۱: ۳۴).

عهد تازه به این شکل و بسیاری راه‌های دیگر، رحمت خدا را به وضوح نشان می‌دهد. در عین حال، وفاداری بشر نیز یکی از حقایق عهد تازه است. خدا وعده نمی‌دهد که از شریعت خود چشم‌پوشی کند و کسی را از اطاعت آنها مستثنی نمی‌کند. بلکه برعکس، به آنها توان می‌بخشد تا وفادار باشند. در حقیقت، خدا در ارمیا ۳۱: ۳۳ وعده داد:

شریعت خود را در باطن ایشان خواهم نهاد و آن را بر دل ایشان خواهم نوشت (ارمیا ۳۱: ۳۳).

در دوره عهد تازه، خدا به قوم خود محبتی نسبت به شریعتش خواهد داد تا آنها مشتاقانه از آن اطاعت کنند. و بالاخره، پیامدهای برکت و لعنت هم در عهد تازه مشهود است. همانطور که ارمیا ۳۱: ۳۳ ادامه می‌دهد:

من خدای ایشان خواهم بود و ایشان قوم من خواهند بود (ارمیا ۳۱: ۳۳).

این اعلامیه تضمین می‌کند که خدا برکات عظیمی به قوم خواهد بخشید چون به آنها توانایی عمل به تعهدات عهد خود را می‌بخشد. و به طور ضمنی، هر کسی که این تعهدات را حفظ نکند، این برکات را نیز دریافت نخواهد کرد.

چیزی که عهد تازه را از عهد قدیم متمایز می‌کند، توانایی مردم در حفظ آن است. در ارمیا باب ۳۱، خدا می‌گوید که شریعتش را بر قلب آنها خواهد نوشت، و شریعتش را در درون آنها قرار می‌دهد، و بعد از این با قاعده عهد ادامه می‌دهد که، «من خدای شما خواهم بود و شما قوم من خواهید بود.» خوب، برای اینکه بتوانیم بفهمیم خدا چطور شریعتش را بر قلب قوم خود خواهد نوشت، بسیار مفید است که به سراغ متن مشابهی در حزقیال برویم. در باب ۳۶ حزقیال، خدا می‌گوید که نه تنها شریعتش را درون آنها قرار می‌دهد، بلکه روحش را نیز درون آنها قرار خواهد داد. و نمی‌گوید که شریعتش را بر قلوب آنها می‌نویسد، بلکه می‌گوید، «شما را به فرایض خود سالک خواهم گردانید.» و بعد همانطور که در باب ۳۱ ارمیا انجام می‌دهد، در اینجا هم باز با قاعده عهد ادامه می‌دهد که «من خدای ایشان خواهم بود و ایشان قوم من.» بنابراین، وقتی به این متون نبوتی نگاه می‌کنیم، راهی را می‌بینیم که خدا شریعتش را با گذاشتن روحش درون آنها بر قلب قوم خود خواهد نوشت. خدا با حضور سکونت‌گزیده خودش باعث می‌شود که قوم در دوره عهد تازه شریعت او را حفظ کنند. و بنابراین، در عهد تازه، نه به دلیل وفاداری ما، بلکه به دلیل عملکرد روح خدا که درون ما زندگی و عمل می‌کند امنیت وجود دارد.

- دکتر متیو نیوکیرک

حال باید همیشه به یاد داشته باشیم که عهد تازه در سه مرحله، پیرو الگوی مرحله نهایی پادشاهی خدا در مسیح، اجرا می‌شود. عهد تازه در جریان ظهور اولیه مسیح و در کار رسولان او تاسیس شد. عهد تازه در طول تاریخ کلیسا از طریق قدرت مسیح که در کلیسا عمل می‌کند، به ثمربخشی خود ادامه می‌دهد. و زمانی که مسیح در جلال به هنگام تکمیل زمان برگردد، عهد تازه به نقطه کمال خود خواهد رسید.

نخست، عهد جدید تاکید می‌کند که عهد تازه با سخاوتمندی الهی و در زمانی آغاز شد که پدر، پسرش را به دنیا فرستاد. همچنین تاکید می‌کند که خود مسیح به تمام الزامات وفاداری بشر، حتی تا به مرگ روی صلیب وفادار بود. و باز هم، تاکید دارد که مسیح برکت قیام از مرگ را دریافت کرد. و در نتیجه، همه آنانی که از ایمان نجات‌بخش به مسیح برخوردارند، در نظر خدا پذیرفته می‌شوند. همانطور که نویسنده عبرانیان در کتاب خود ۹: ۱۲-۱۵ بیان می‌کند:

[مسیح] یک بار برای همیشه به مقدس‌ترین جایگاه وارد شد و خون قربانی را بر تخت رحمت پاشید، اما نه خون بز یا گوساله، بلکه خون خود را، که با آن نجات ابدی ما را فراهم ساخت... و از این جهت او متوسط عهد تازه‌ای است (عبرانیان ۹: ۱۲-۱۵، ترجمه تفسیری و قدیم).

خدا در تاریخ مداخله کرد تا با فرستادن پسر خودش که تمام جزئیات شریعت او را نگه داشت و خود را به عنوان قربانی اعلا و کامل برای گناه تقدیم کرد، عهدی تازه ببندد. و این قربانی، باعث بخشش ابدی برای همه کسانی می‌شود که به پسر ایمان دارند.

یک آموزه شگفت‌انگیز مسیحی وجود دارد که در آن، بر خلاف عهد عتیق که واسطه، یعنی کاهن، باید سال به سال گاوها و بزها را برای بخشش گناهان تقدیم می‌کرد، عیسی در واقع یک بار و برای همیشه آنطور که کتاب مقدس به ما می‌گوید، وارد قدس الاقداس شد. وقتی او روی صلیب جان داد، وقتی او خون خودش را برای گناهان ما ریخت، به معنای آن بود که برای ما یک دسترسی ایجاد کرد تا به حضور خداوند برویم و تا بتوانیم کسی را داشته باشیم که می‌تواند ما را در جایی که از طریق خون او وارد قدس الاقداس می‌شویم نمایندگی کند.

- دکتر ویانی سیندو

حال علیرغم اهمیت کار نجات‌بخش مسیح در اولین ظهورش، نجات بزرگ عهد تازه همچنین به تداوم عمل مسیح به عنوان واسطه عهد تازه نیز بستگی دارد. مسیح هر روزه به نمایندگی از قوم خود در حضور تخت پدرش در آسمان شفاعت می‌کند. در عبرانیان ۷: ۲۴-۲۵، نویسنده زمانی که جملات زیر را نوشت، به این حقیقت اشاره می‌کرد:

[عیسی] چون تا به ابد باقی است، کهنات بی‌زوال دارد. از این جهت نیز قادر است که آنانی را که به وسیله وی نزد خدا آیند، نجات بی‌نهایت بخشد، چونکه دائماً زنده است تا شفاعت ایشان را بکند (عبرانیان ۷: ۲۴-۲۵).

از سخاوتمندی خدا، مسیح سلطنت می‌کند و برای ما به شفاعت می‌پردازد. او به کوتاهی‌های ما رسیدگی، و برکات ابدی ما را تضمین می‌کند. و در نهایت، از آنجایی که مسیح بهای گناهان ما را پرداخت و به شفاعت برای ما ادامه می‌دهد، می‌توانیم خاطر جمع باشیم که روزی تکمیل پادشاهی خدا در مسیح فرا خواهد رسید. وقتی آن روز فرا برسد، سخاوتمندی خدا را به شکلی خواهیم دید که پیش از آن هرگز ندیده‌ایم. همانطور که نویسنده عبرانیان در عبرانیان ۹: ۲۸ توضیح داد:

همچنین مسیح نیز چون یک بار قربانی شد تا گناهان بسیاری را رفع نماید، بار دیگر بدون گناه، برای کسانی که منتظر او می‌باشند، ظاهر خواهد شد به جهت نجات (عبرانیان ۹: ۲۸).

وقتی آن روز بیاید، همه کسانی که ایمان خود را بر مسیح قرار داده‌اند، وفاداری بی‌عیب و نقصی به اراده او خواهند داشت، و ما برکت حیات جاودان در آسمان‌ها و زمین جدید را دریافت خواهیم کرد.

وقتی درباره کار خداوندمان فکر می‌کنیم، اغلب درباره‌اش به صورت ظهور اولیه و ثانوی فکر می‌کنیم. او در ظهور اولیه خودش - حیات، مرگ، رستاخیز - پادشاهی را به این جهان آورد. او دوران عهد تازه را آغاز کرد. بخشش کامل گناهان را به ارمغان آورد. گناه را شکست داد، مرگ را شکست داد، بر شریر غالب شد... وقتی او دوباره بیاید، آن وقت گناه و مرگ و شریر را کاملاً زیر پاهایش قرار خواهد داد و بدین ترتیب شریر نابود خواهد شد، کتاب‌ها باز خواهند شد، داوری نهایی انجام خواهد شد که در آنجا به طور عمومی به گناه و مرگ رسیدگی می‌شود، و کسانی که از او نیستند در داوری ابدی قرار خواهند گرفت. آنهایی که از او هستند، از ثمر و مزایای آسمان‌ها و زمین جدید بهره‌مند خواهند و بعد خواهیم دید که همه چیز به پایان خودش می‌رسد.

- دکتر استفان ولووم

اکنون که پادشاهی خدا، عهدهای او، تاریخ عهدهایش، و پویایی بنیادین عهدهای خدا را بررسی کردیم، می‌توانیم به آخرین موضوعمان بپردازیم: یعنی مردمان عهدهای خدا.

### مردمان عهدها

خدا در حین اینکه پادشاهی خود را از طریق عهدها اداره می‌کرد، همیشه در تعامل با مردم بود. و این نباید ما را شگفت‌زده کند. انسان‌ها تصاویر سلطنتی و کهناتی خدا هستند که آفریده شدند تا پادشاهی او را به چهار گوشه زمین بسط بدهند. اما در واقعیت، عهدهای خدا شامل انواع مختلفی از مردم در زمان‌های مختلف می‌شد. این تنوع چطور در کتاب مقدس ظاهر می‌شود؟ و وقتی مردمان عهدهای خدا را در نظر می‌گیریم، چه تفاوتی ایجاد می‌شود؟

برای پاسخ به این پرسش‌ها، به بررسی دو موضوع خواهیم پرداخت. نخست، خواهیم دید که چطور عهدهای خدا بخش‌های مختلف بشریت را از راه‌های گوناگون در بر می‌گرفت. و دوم، خواهیم دید که چطور این بخش‌ها بر کاربرد پویایی عهد برای مردمان عهدهای خدا تاثیر گذاشتند. بیایید ابتدا به بررسی این نکته بپردازیم که خدا چطور با بخش‌های مختلف نژاد بشر عهدهایی بست.

### بخش‌های بشریت

همه آنهایی که با عهد عتیق آشنایی دارند، می‌دانند که عهد عتیق اغلب بین انواع مختلف افراد و گروه‌های مردم تمایز قائل می‌شود - تنها برای اشاره به چند نمونه، می‌توانیم مرد و زن، پیر و جوان، قوی و ضعیف، را نام ببریم. البته اکنون برای ما امکان ندارد که بتوانیم به همه جزئیات این تنوع بپردازیم. اما تمرکز بر تعدادی از گروه‌های عمده مردمی که اغلب در کانون توجه آنچه کتاب مقدس درباره عهدهای الاهی به ما می‌گوید قرار می‌گیرند، مفید خواهد بود.

ما بررسی این بخش‌های بشریت را ابتدا با توجه به اینکه چطور هم ایمانداران و هم غیر ایمانداران هر دو در عهدهای خدا گنجانده شده‌اند شروع می‌کنیم. و بعد به تمایز بین آنانی که

مشمول عهد‌های خدا هستند و آنهایی که از آن محرومند نگاهی خواهیم داشت. بیایید با این حقیقت شروع کنیم که هم ایمانداران و هم غیر ایمانداران درون عهد‌های خدا قرار دارند.

### داخل عهد‌ها

مسیحیان اغلب اینطور تصور می‌کنند که همیشه تنها ایمانداران حقیقی وارد عهد‌های خدا شده‌اند، اما اصلاً اینگونه نیست. به یاد دارید که ما عهد‌های خدا با آدم و نوح را عهد‌های عمومی نامیدیم چون آنها همه افراد بشر را وابسته خدا می‌سازند. و زمانی که بشر در گناه سقوط کرد، هم درباره ایمانداران و هم غیر ایمانداران صادق بود. اصول بنیادین پادشاهی خدا که در عهد با آدم معین شدند، هم درباره آنانی کاربرد داشت که از ایمان نجات‌بخش برخوردار بودند – مانند هابیل و شیث – و هم آنانی که فاقد آن بودند – مانند قائل و لمک قاتل از نسل او. به همین ترتیب، عهد ثبات طبیعت در روزگار نوح نیز هم شامل ایمانداران مانند سام پسر نوح، و هم غیر ایمانداران مانند کنعان نوه نوح می‌شد.

همین مورد درباره عهد‌های ملی اسرائیل با ابراهیم، موسی، و داوود نیز صدق می‌کرد. همه مردم اسرائیل از طریق این عهد‌ها، فارغ از اینکه نجات ابدی را دریافت کردند یا نه، در عهد با خدا بودند. برای نمونه، یعقوب و عیسو هر دو ختنه شده و در عهد خدا با ابراهیم قرار داشتند. در زمان موسی، وقتی که اسباط اسرائیل در کوه سینا وارد عهد شدند، همه آنها درون‌شان افراد ایماندار و غیر ایماندار داشتند. همین نکته درباره عهد خاندانی خدا با داوود نیز صادق است. همه فرزندان داوود و شهروندان اسرائیل، چه ایماندارانی حقیقی بودند یا نه، در عهد با خدا بودند. حالا وقتی که نوبت به عهد تازه می‌رسد، باید درباره غیر ایمانداران مراقب باشیم. نبوت‌های عهد عتیق در مورد عهد تازه نشان می‌دهند که این عهد فقط ایمانداران حقیقی را در بر می‌گیرد. گوش کنید که ارمیا چگونه مردمان عهد تازه را در ارمیا ۳۱: ۳۴ توصیف کرد:

بار دیگر کسی به همسایه‌اش و شخصی به برادرش تعلیم نخواهد داد و نخواهد گفت خداوند را بشناس. زیرا خداوند می‌گوید: «جمیع ایشان از خُرد و بزرگ مرا خواهند شناخت، چونکه عصیان ایشان را خواهم آمرزید و گناه ایشان را دیگر به یاد نخواهم آورد» (ارمیا ۳۱: ۳۴).

همانطور که این متن آشکار می‌سازد، هر فردی که درون عهد تازه محسوب می‌شود، خدا را می‌شناسد و گناهانش برای همیشه بخشیده شده‌اند. هیچ یک از گناهان و تخلفات آنها دیگر هرگز علیه‌شان به شمار نخواهد آمد.

با اینحال، وقتی که به چگونگی تحقق نبوت ارمیا فکر می‌کنیم، باید یک ویژگی دوران عهد تازه که چندین بار در این مجموعه دروس به آن اشاره کردیم را در نظر داشته باشیم. عهد جدید توضیح می‌دهد که عهد تازه در مسیح، طی سه مرحله محقق می‌شود. در ظهور اولیه مسیح تاسیس شد؛ در طول تاریخ کلیسا تداوم پیدا می‌کند؛ و تنها زمانی به کمال خود می‌رسد که مسیح در جلال برگردد.



این ظهور عهد تازه در طی سه مرحله به ما کمک می‌کند تا متوجه باشیم که تا زمان بازگشت مسیح، هم ایمانداران و هم غیر ایمانداران در میان قوم خدا وجود خواهند داشت. در زمان تاسیس پادشاهی مسیح، هم ایمانداران و هم غیر ایمانداران در میان پیروان او وجود داشتند. و همین مسئله در سراسر دوره تداوم پادشاهی مسیح نیز صدق می‌کند. کلیسای مرئی مسیحی شامل ایمانداران حقیقی است که در واقع نجات ابدی را دریافت کرده‌اند، و هم غیر ایماندارانی که از مشارکت با مسیح و کلیسای او برکاتی موقتی دریافت می‌کنند.

کلیسای مرئی چیست؟ کلیسای جهانی است، به معنای کلیسا در سرتاسر دنیا که از چندین کلیسای محلی، چندین فرقه، و بعضی کلیساهایی تشکیل شده که خودشان را متعلق به هیچ فرقه‌ای نمی‌دانند... در الاهیات، این از کلیسای غیر مرئی متمایز شده است. و کلیسای غیر مرئی کلیسایی است که نه تنها آن را نمی‌بینید، بلکه نمی‌توانید هم ببینید. عبرانیان باب ۱۲، مجمع عمومی کلیسای نخست‌زاده، یعنی آنهایی که مُرده و به آسمان رفته‌اند، یعنی برگزیدگانی که اکنون در حضور تخت خدایی که همیشه بوده و خواهد بود در جمع فرشته‌ها و فرشتگان مقرب قرار دارند. کلیسای مرئی غیر مرئی، کلیسای عیسی مسیح را تشکیل می‌دهند.

- دکتر درک تامس -

گوش کنید که یوحنا رسول در اول یوحنا ۲: ۱۹ چطور درباره غیر ایمانداران در کلیسا صحبت می‌کند:

از ما بیرون شدند، لکن از ما نبودند، زیرا اگر از ما می‌بودند با ما می‌ماندند؛ لکن بیرون رفتند تا ظاهر شود که همه ایشان از ما نیستند (اول یوحنا ۲: ۱۹).

یوحنا رسول در اینجا درباره افرادی نوشت که ایمان مسیحی را ترک کردند. او تصدیق می‌کند که از یک جهت، آنها از «ما» به حساب می‌آمدند. به این معنا که، در میان قوم خدا زندگی کردند. اما یوحنا همچنین گفت که آنها با ترک ایمان، روشن ساختند که «از ما نبودند.» این یعنی که آنها ایمانداران حقیقی نبودند. همانطور که یوحنا گفت، اگر آنها حقیقتاً ایمانداران واقعی بودند که نجات ابدی در مسیح را دریافت کرده بودند، «با ما می‌ماندند.» که یعنی تا به انتها وفادار می‌ماندند.

همه ما می‌دانیم که فهرست اعضای اکثر کلیساها، هم شامل افرادی است که ایمانداران حقیقی هستند و هم افرادی که ایمان حقیقی ندارند. نبوت ارمیا درباره یک قوم نجات‌یافته کامل در عهد تازه تنها زمانی محقق خواهد شد که مسیح بر می‌گردد. در آن زمان، غیر ایماندارانی که در میان قوم عهدی خدا وجود دارند متحمل داوری ابدی خدا خواهند شد. و فقط ایمانداران حقیقی باقی خواهند ماند تا در آفرینش جدید همراه مسیح حکمرانی کنند.

گزارش عهد عتیق از عهدهای خدا علاوه بر بخش‌های مختلف بشریت درون عهدها، همچنین به تمایزی بین آنانی که مشمول این عهدها بودند و آنهایی که از آن محروم شده بودند در طی دوره‌های مختلف تاریخ اشاره می‌کند.

### مشمول و محروم

همانطور که پیش‌تر اشاره کردیم، همه بشریت در شمول عهدهای عمومی با آدم و نوح قرار داشتند. هیچ گروهی از بنیادها و ثبات طبیعت که در این عهدها برقرار شده بودند محروم نبود. اما این وضعیت در زمانی که خدا اسرائیل را به عنوان قوم ویژه عهدی خود برگزید، تغییر کرد. عهدهای ملی با ابراهیم، موسی، و داوود عمدتاً شامل نسل‌های فیزیکی ابراهیم و فقط تعداد نسبتاً اندکی از غیر یهودیانی می‌شد که در اسرائیل پذیرفته شدند. در بیشتر موارد، اقوام غیر یهودی از عهدهای ملی اسرائیل محروم بودند. به افسسیان ۲: ۱۲ و طریقی که پولس غیر یهودیان را پیش از آنکه پیرو مسیح بشوند توصیف کرد گوش کنید:

شما در آن زمان از مسیح جدا و از وطنیت خاندان اسرائیل، اجنبی و از عهدهای وعده بیگانه و بی امید و بی خدا در دنیا بودید (افسسیان ۲: ۱۲).

غیر یهودیان در عهدهای وعده غریبه بودند. آنها بی امید و بی‌خدا بودند. بنابراین، در طی قرن‌ها از عهدهای ملی اسرائیل، به واقع سه نوع از مردم در دنیا وجود داشتند: ایمانداران حقیقی که در عهدهای اسرائیل بودند، غیر ایماندارانی که در عهدهای اسرائیل بودند، و غیر یهودیان بی‌ایمانی که از عهدهای اسرائیل محروم بودند.

این تمایز سه جانبه اهمیت دارد چون در مورد عهد جدید هم تا زمانی که مسیح در جلال برگردد صادق است. همانطور که دیدیم، تا آن روز، ایمانداران حقیقی در کنار غیر ایماندارانی که در مشارکت با کلیسای مرئی هستند، در شمول عهد تازه قرار دارند. و در طی دوره عهد جدید، یک دسته سوم نیز وجود دارد: مردان و زنانی که انجیل یا کلیسا را تصدیق نکرده‌اند. این مردمان از عهد تازه محرومند. در طول تاریخ عهد عتیق آنانی که خارج از عهد قرار داشتند عمدتاً غیر یهودیان بودند. اما اکنون که مسیح آمده است، آنانی که خارج از عهد تازه قرار دارند هم یهودیان و هم غیر یهودیانی را شامل می‌شوند که سهمی در مسیح یا کلیسای او ندارند. اکنون که دیدیم چطور بخش‌های خاصی از بشریت به مردمان عهدهای خدا مرتبط می‌شوند، آماده‌ایم تا به سراغ کاربرد پویایی‌های عهد درباره این گروه‌ها برویم. چطور این دسته‌های مردمان سخاوتمندی خدا، لزوم وفاداری بشر، و پیامدهای برکت و لعنت را تجربه کردند؟

### کاربرد پویایی‌ها

همه افراد بشر پویایی عهدهای آدم و نوح را تجربه کردند. زندگی همه مردمان مستقماً تحت تأثیر مفاد بنیادینی که در عهد با آدم معین شدند و ثبات طبیعت که در عهد نوح برقرار شد

قرار داشت. با این حال، این مورد درباره عهدهای ملی اسرائیل در ابراهیم، موسی، و داوود صدق نمی‌کند. همچنین درباره عهد تازه نیز صادق نیست.

در حین اینکه کاربرد پویایی‌های عهد درباره گروه‌های مختلف مردم را در نظر می‌گیریم، لازم است ببینیم که عهدهای ملی و عهد تازه چطور در مورد سه دسته از مردم اعمال می‌شوند: نخست، غیر ایماندارانی که از این عهدها محروم هستند؛ دوم، غیر ایماندارانی که در شمول این عهدها قرار دارند؛ و سوم، ایمانداران حقیقی که مشمول این عهدها هستند. بیایید ابتدا به غیر ایماندارانی نگاه کنیم که از عهدهای ملی اسرائیل و از عهد تازه محروم شده‌اند.

### غیر ایمانداران محروم

غیر ایمانداران هیچ ارتباطی به عهدهای ملی و عهد تازه ندارند، اما با این وجود، به واسطه عهدهای عمومی خدا با آدم و نوح به او مرتبط هستند. به همین دلیل، آنها هنوز پویایی‌های این عهدها را تجربه می‌کنند. آنها سخاوتمندی خدا را دریافت می‌کنند چون خدا نسبت به همه انسان‌ها مهربانی نشان می‌دهد. همانطور که عیسی در متی ۵: ۴۵ بیان کرد:

پدر [شما] که در آسمان است... آفتاب خود را بر بدان و نیکان طالع می‌سازد و باران بر عادلان و ظالمان می‌باراند (متی ۵: ۴۵).

ما اغلب این برکات را «فیض عام» می‌نامیم چون آنها رحمت‌های نجات‌بخش نیستند. بلکه نشانه‌های فیض خدا به همه افراد بشر هستند.

علاوه بر این، غیر ایمانداران خارج از عهدهای ملی اسرائیل و عهد تازه همچنان موظف هستند تا مطابق میزان مکاشفه‌ای که دریافت کرده‌اند به خدا خدمت وفادارانه انجام بدهند. آنها شاید مقداری آگاهی از مکاشفه خاصی که به اسرائیل و کلیسا داده شده است داشته باشند. اما حتی اگر هرگز تماسی با اسرائیل و کلیسای مسیحی نداشته باشند، باز هم از طریق مکاشفه عام یا طبیعی صاحب یک درک ابتدایی از وظایف خود در قبال خدا هستند.

در کتاب مقدس، خدا به ما می‌گوید - و پولس هم این استدلال را در باب ۱ رومیان ارائه می‌کند - که مهم نیست چه کسی یا از چه فرهنگی است، هر بشری که تا به حال زیسته، از وجود خدا آگاهی داشته... پولس گفت که هر انسانی از طریق وجدانش می‌داند که خدا وجود دارد. انسان منطقی دارد، وجدان دارد، و از طریق آن چیزی که در جهان آفریده شده، ذات الاهی خدا به روشنی دیده شده است. بنابراین، همه انسان‌ها می‌دانند که خدا وجود دارد.

- کشیش کلیت هاکس

همانطور که پولس در رومیان ۱: ۲۰ بیان می‌کند:

چیزهای نادیده او [خدا] یعنی قوت سرمدی و الوهیتش از حین آفرینش عالم به وسیله کارهای او فهمیده و دیده می‌شود تا ایشان را عذری نباشد (رومیان ۱: ۲۰).

مکاشفه عام همیشه غیر ایمانداران خارج از عهدهای اسرائیل و عهد تازه را موظف کرده که آفریننده خود را بشناسند و به او خدمت کنند.

در نتیجه این غیر ایمانداران بر اساس صلاح‌دید خدا، پیامدهای برکت و لعنت را نیز تجربه می‌کنند. خدا اغلب برکاتی موقت به غیر ایماندارانی می‌دهد که هرگز به اسرائیل یا کلیسای مسیحی نپیوستند. اما کتاب مقدس در این مورد واضح است که در داوری عظیم، برکات موقت و لعنت‌های خدا در این دنیا منجر به لعنت ابدی برای این غیر ایمانداران خواهد شد.

بر خلاف غیر ایماندارانی که از این عهدها محروم شدند، کاربرد پویایی‌های عهد درباره غیر ایماندارانی که مشمول عهدهای خدا با اسرائیل و عهد تازه هستند به شکل متفاوتی عمل می‌کند.

### غیر ایمانداران مشمول

برای آغاز، خدا سخاوتمندی بسیاری به این افراد نشان داده است. درست است که آنها نجات ابدی دریافت نکرده‌اند، اما خدا مهربانی عظیمی به آن غیر ایماندارانی نشان داده که چه در عهد عتیق و چه در عهد جدید به قوم او پیوسته‌اند. پولس رسول در رومیان ۹: ۴ درباره امتیازاتی صحبت کرد که حتی غیر ایمانداران هم در اسرائیل از آنها برخوردار بودند. او نوشت:

پسرخواندگی و جلال و عهدها و امانت شریعت و عبادت و وعده‌ها از آن ایشان است (رومیان ۹: ۴).

خدا در مقایسه با غیر ایماندارانی که خارج از عهدهای او بودند، مهربانی‌های عظیم‌تری به غیر ایماندارانی نشان داد که در عهدهای او با اسرائیل قرار داشتند. و همین نکته درباره غیر ایماندارانی که با کلیسای مسیحی در مشارکت هستند هم صادق است.

در عهد عتیق، هم ایمانداران و هم غیر ایماندارانی که در اسرائیل بودند به طور فیزیکی از بردگی در مصر نجات پیدا کردند. همه آنها هدیه شریعت خدا را در کوه سینا دریافت کردند. همه آنها سرزمین موعود را به تسخیر درآوردند. در طی دوره حکمرانی داوود و سلیمان برکت یافتند. و به ترتیب مشابه، غیر ایمانداران در کلیسای عهد جدید هم در همراهی با بدن مسیح تقدیس می‌شوند. آنها موعظه کلام را می‌شنوند. در کار روح‌القدس سهیم هستند. بدین طرق و بسیاری راه‌های دیگر، خدا در اسرائیل عهد عتیق و کلیسای عهد جدید به غیر ایمانداران سخاوت زیادی نشان داده است.

غیر ایمانداران در عهدهای ملی اسرائیل و در عهد تازه، در کنار دریافت سخاوت فراوان از خدا، خدمتی وفادارانه به خدا بدهکار هستند. آنها آگاهی بیشتری درباره اراده خدا پیدا کرده‌اند.

بنابراین، خدا هم آنها را در برابر معیارهای بالاتری از اطاعت مسئول می‌داند. همانطور که عیسی در لوقا ۱۲: ۴۸ گفت:

به هر کسی که عطا زیاده شود، از وی مطالبه زیادتر گردد (لوقا ۱۲: ۴۸).

آنهايي که حقيقت کلام خدا را می‌آموزند، آنانی که راه‌های او را می‌دانند، نسبت به آنچه که دریافت کرده‌اند مسئول هستند.

کتاب مقدس همچنین نشان می‌دهد که غیر ایمانداران در عهدهای ملی اسرائیل و در عهد تازه، پیامدهای برکت و لعنت از سوی خدا را نیز تجربه می‌کنند. به حکم خدا، آنها انواع مختلفی از برکات و لعنت‌های موقت را در این زندگی دریافت می‌کنند. اما تا زمانی که آنها ایمان نجات‌بخش در مسیح نداشته باشند، در روز داوری عظیم این برکات و لعنت‌ها فقط به لعنت‌های ابدی خدا منجر می‌شوند، و آنها تا ابد تحت داوری خدا باقی خواهند ماند. در عبرانیان ۱۰: ۲۸-۲۹، نویسنده درباره داوری ابدی نوشت که در عهد تازه علیه غیر ایمانداران وجود دارد:

هر که شریعت موسی را خوار شمرد، بدون رحم به دو یا سه شاهد کشته می‌شود. پس به چه مقدار گمان می‌کنید که آن کس، مستحق عقوبت سخت‌تر شمرده خواهد شد که پسر خدا را پایمال کرد و خون عهدی را که به آن مقدس گردانیده شد، ناپاک شمرد و روح نعمت را بی‌حرمت کرد؟ (عبرانیان ۱۰: ۲۸-۲۹).

در اینجا دقت کنید که این افراد توسط «خون عهد»، «مقدس» شده‌اند. این به معنای آن نیست که این افراد نجات ابدی را دریافت کرده بوده‌اند. بلکه آنها به عنوان افراد شریک در عهد تازه، از دنیا جدا شده بودند. و هنگامی که این افراد علیه خدا طغیان می‌کنند – که همیشه تا حدی چنین می‌کنند – تنها یک انتظار وجود دارد و آن هم داوری ابدی خدا است؛ آن داوری که او برای دشمنان خود نگه داشته است.

ما غیر ایمانداران محروم و مشمول در عهدهای ملی اسرائیل و عهد تازه را در نظر گرفتیم. اکنون، بیایید ببینیم که ایمانداران حقیقی مشمول این عهدها چطور پویایی تعامل با خدا را تجربه می‌کنند.

### ایمانداران مشمول

سخاوت الاهی که به ایمانداران حقیقی نشان داده می‌شود، از جمله بخشش گناهان و مشارکت ابدی با خدا، بی‌اندازه است. همانطور که پولس در رومیان ۸: ۱-۲ نوشت:

هیچ قصاص نیست بر آنانی که در مسیح عیسی هستند. زیرا که شریعت روح حیات در مسیح عیسی مرا از شریعت گناه و موت آزاد گردانید (رومیان ۸: ۱-۲).

خدا ما را به قدری دوست دارد که پسر خود را فرستاد تا جریمه گناهانمان را پرداخت کند، تا به جای ما رنج بکشد، و تا ما را از محکومیتی حفظ کند که برای خودمان به بار آوردیم... بنابراین، این باید دلگرمی بزرگی برای ما باشد. در حقیقت، پولس در باب ۸ رومیان با استفاده از همین نکته و این کلمات ما را تشویق می‌کند: او می‌گوید، «[خدا] که پسر خود را دریغ نداشت، بلکه او را در راه جمع ما تسلیم نمود، چگونه با وی همه چیز را به ما نخواهد بخشید؟» و بنابراین، خدا در بخشیدن پسرش برای گناهان ما به طور قطعی، و نهایی، و در انتها درجه ممکن به ما نشان داد که چقدر دوست‌مان دارد. از همین رو ما باید به او اعتماد کنیم و مطمئن باشیم که او حقیقتاً دوست‌مان دارد.

- دکتر براندون کرو

در عین حال، اگرچه ما از محکومیت شریعت خدا آزاد هستیم، اما به خدمتی وفادارانه به خدا و برخاسته از قدردانی نسبت به آنچه که او برای ما در مسیح انجام داده، خوانده شده‌ایم. به همین دلیل است که پولس در رومیان ۸: ۷ ادامه داد و در مقایسه ایمانداران با غیر ایمانداران چنین گفت:

تفکر جسم دشمنی خدا است، چون که شریعت خدا را اطاعت نمی‌کند (رومیان ۸: ۷).

در مقابل، تفکری که به خدا محبت دارد از شریعت او اطاعت می‌کند. بنابراین، پولس در رومیان ۸: ۱۲-۱۳ این عبارات را اضافه کرد:

بنابراین ای برادران... افعال بدن را به وسیله روح بکشید (رومیان ۸: ۱۲-۱۳).

ایمانداران وظیفه دارند که به شکلی متفاوت از غیر ایمانداران زندگی کنند. به این معنا که آنها باید از شریعت خدا اطاعت کنند - نه تا کسب نجات کنند، بلکه تا به خدا برای نجاتی که به فیض خود بخشید احترام بگذارند.

مسیحیان باید مانند اسرائیلیان عهد عتیق قوانین و مقررات کتاب مقدس را رعایت کنند تا ایمان‌شان را در معرض سنجش و اثبات قرار بدهند. ایمانداران حقیقی در عهد عتیق خوانده شده بودند تا به عنوان آزمونی بر ایمان‌شان، از شریعت موسی اطاعت کنند. مسیحیان در عهد جدید نیز به همان نوع از سنجش خوانده شده‌اند. همانطور که پولس به اهل قرنتس در دوم قرنتیان ۱۳: ۵ گفت:

خود را امتحان کنید که در ایمان هستید یا نه. خود را باز یافت کنید. آیا خود را نمی‌شناسید که عیسای مسیح در شما است اگر مردود نیستید؟ (دوم قرنتیان ۱۳: ۵).

مسیح، پسر کاملاً مطیع خدا بود و عدالت او به حساب ما گذاشته شده تا نجات ابدی ما محفوظ باشد. اما ما در حین اینکه به حیات روزانه خودمان ادامه می‌دهیم، باید نجاتی که خدا به ما بخشیده را ثابت کنیم. همانطور که پولس در رساله فیلیپیان ۲: ۱۲ به تشویق اهل فلپپی پرداخت:

نجات خود را به ترس و لرز به عمل آورید (فیلیپیان ۲: ۱۲).

همانطور که باید انتظار داشته باشیم، ایمانداران حقیقی در عهدهای ملی اسرائیل و در عهد تازه، همچنین پیامدهای اطاعت و بی‌اطاعتی را به طرق مختلف تجربه می‌کنند. از یک سو، به طریقی که خدا در حکمت خود تعیین می‌کند، ایمانداران حقیقی برکات موقت را تجربه می‌کنند. بسیاری از برکات روح خدا به ما بخشیده شده است. و فرای این، خدا اغلب حتی برکاتی فیزیکی به قوم خود می‌بخشد. اما عکس این مسئله نیز حقیقت دارد. خدا فرزندان حقیقی خود را از طریق تنبیه، تربیت می‌کند. در عبرانیان ۱۲: ۶، نویسنده در اشاره به عهد عتیق آن را اینطور توضیح می‌دهد:

هر که را خداوند دوست می‌دارد، توبیخ می‌فرماید و هر فرزند مقبول خود را به تازیانه می‌زند (عبرانیان ۱۲: ۶).

علیرغم این تجربیات مختلط از برکات و لعنت‌های موقت برای ایمانداران حقیقی در این زندگی، تفاوتی حیاتی بین ایمانداران و غیر ایمانداران وجود دارد. وقتی مسیح در جلال برگردد، ایمانداران حقیقی فقط برکات ابدی خدا را تجربه خواهند کرد. همانطور که در مکاشفه ۲۱: ۷ می‌خوانیم:

هر که غالب آید، وارث همه چیز خواهد شد، و او را خدا خواهم بود و او مرا پسر خواهد بود (مکاشفه ۲۱: ۷).

همچنان که به مطالعه عهد عتیق ادامه می‌دهیم، لازم است که همیشه این سه بخش بشریت و اینکه چطور پویایی‌های عهد درباره آنها اعمال می‌شود را به یاد داشته باشیم. به یاد داشتن تمایزهای بین غیر ایمانداران خارج از عهدهای ملی و عهد تازه، غیر ایمانداران درون این عهدها، و ایمانداران حقیقی داخل این عهدها ما را مجهز می‌سازد تا مفاهیم عهد عتیق برای اسرائیلیان

باستانی که نخستین خواننده آن بودند را درک کنیم. و به ما کمک می‌کند تا بهتر ببینیم که این موارد امروزه در مورد ما چطور اعمال می‌شوند.

### نتیجه‌گیری

در این درس، به معرفی مفهوم کتاب‌مقدسی عهدهای الاهی پرداختیم. دیدیم که خدا پادشاهی خود را از طریق عهدها اجرا می‌کند. همچنین به تاریخ کتاب‌مقدس نگاه کردیم و آموختیم که عهدهای خدا با آدم، نوح، ابراهیم، موسی، داوود، و عهد تازه، بر مفاد پادشاهی خدا برای دوره‌های مختلف تاریخی تاکید می‌کنند. به علاوه، به بررسی پویایی‌های بنیادین سخاوتمندی الاهی، وفاداری بشر، و پیامدهای برکت و لعنت پرداختیم که ویژگی تعاملات بین خدا و قوم عهدی او در دوره هر عهد هستند. و در نهایت، به کنکاشی در این مورد پرداختیم که چطور این پویایی‌ها در مورد انواع مختلف مردم در طول روزگار کتاب‌مقدس و امروزه به کار گرفته می‌شوند.

هرچقدر هم که بر اهمیت عهدهای الاهی برای درک عهد عتیق تاکید کنیم، باز هم کافی نیست. همه نویسندگان کتاب‌مقدس می‌دانستند که خدا پادشاهی خود را از طریق عهدها اجرا می‌کرد. و در نتیجه، اهمیت هر تعلیم در هر صفحه از عهد عتیق، در چارچوب عهدهای خدا ریشه دارد. ما مسیحی را خدمت می‌کنیم که عهد تازه را به ارمان آورد. و به عنوان پیروان او باید هر آنچه می‌توانیم از عهدهای خدا در عهد عتیق بیاموزیم تا بتوانیم برای او در این زمانه زندگی کنیم. تجدید تعهداتمان به مفاد عهدهای الاهی در کتاب‌مقدس ما را به سوی حیات ابدی با مسیح در کمال پادشاهی او رهنمون خواهد شد.